



برترین مقام حکومتی و چگونگی گزینش آن

(بررسی دو نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا)

سید نصرالله ابراهیمی*

نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی مذهبی و مکتبی است و در عین حال، نظامی مردم‌سالار و برآمده از آرای آحاد ملت است. در سلسله مراتب ساختار سیاسی این نظام، مقام رهبری عالی‌ترین مقام حکومتی است. اوققیهی است دارای شرایط و برگزیدمُخبرگان ملت.

نویسنده در این نوشتار در پی آن است که نقش و موقعیت عالی‌ترین مقام حکومتی در نظام‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا و چگونگی انتخاب رهبری در نظام جمهوری اسلامی را، که به روش غیرمستقیم و دو مرحله‌ای است، با انتخاب غیرمستقیم ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا به بحث و بررسی بگذارد.

وی به همین منظور نوشتار خود را در دو بخش، با ریز موضوعاتی سامان داده است: «مبانی نظام جمهوری اسلامی»، «مکانیزم‌های مردم‌سالاری دینی»، «رهبر و نقش آن در جمهوری اسلامی ایران»، «مجلس خبرگان و نقش آن در تعیین رهبر» و... موضوعات بخش نخست، تحت عنوان نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش رهبر و چگونگی انتخاب او، می‌باشد. همچنانکه عناوین «نظام مجریه ریاستی در آمریکا»، «اصل تفکیک قوا در نظام ریاستی آمریکا»، «شرایط نامزدی برای ریاست جمهوری در آمریکا»، «حاکمیت احزاب دموکرات و جمهوری خواه در آمریکا» و... موضوعات بخش دوم، با عنوان نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا، نقش رییس جمهور و چگونگی انتخاب وی، می‌باشد.



برترین مقام حکومتی و چگونگی...

143

*. دکترای حقوق بین‌الملل و استادیار دانشگاه

◀ مقدمه

اگر چه در جهان متکثر، حکومت‌ها و حاکمیت‌ها اصولاً با مفاهیم انسانی شکل می‌گیرند، اما در هر منطقه و کشوری این مفاهیم رنگ و بوی خاص فرهنگ آن کشور را دارد، و مردم دنیا نظام‌هاشان را بر اساس فرهنگ خاص خود بنا می‌کنند. پیش‌بینی نهاد ولایت فقیه عادل از یک طرف و مجلس خبرگان به عنوان نهاد تعیین‌کننده ولی امر مسلمین از طرف دیگر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برگ زرین دیگری بر پابندی ایرانیان به اصول و ارزش‌های دین مبین اسلام می‌باشد.

مجلس خبرگان رهبری یکی از نهادهای اساسی و حساس نظام جمهوری اسلامی ایران است که بر مبنای قانون اساسی مسؤولیت‌های خطیری بر عهده دارد. مجلس خبرگان که به شناسایی و تعیین رهبری اقدام می‌کند، خود برگزیده مردم است، و در حقیقت مردم رهبری را با یک واسطه؛ یعنی مجلس خبرگان، انتخاب می‌کنند و بر عملکردهای آن نظارت و اشراف خواهند داشت.

اصولاً تعیین نظام‌های انتخاباتی هر کشور، به ساختار سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی، قومی، نژادی، مذهبی و اشتراکات تاریخی و قومی و حاکمیت احزاب و افکار سیاسی در هر جامعه بستگی داشته و ترتیبات قانون اساسی نیز مرزهای مشروعیت و عدم مشروعیت آن را تعیین می‌کند.

در هر حال بررسی این نکته مهم است که آیا فرایندهایی که منجر به تعیین نظام انتخاباتی شده، برگرفته از یک نظام استبدادی سیاسی، رقابت یا مصالحه بین احزاب سیاسی، یا نظام توحیدی الهی است که بر اساس خطوط ترسیم یافته از مکاتب آسمانی می‌باشد؟ در نظام دموکراسی، آن فرایندی می‌تواند مهر تأیید را به همراه داشته باشد که حاکمیت مردم سالارانه را یک رقابت سالم و منطقی به منصفه ظهور رسانده و ضمن احترام به کرامت و شخصیت انسان‌ها آن را در تصمیم‌گیری نحوه اداره کشور خود کمک نماید؛ به عنوان مثال در اسپانیا و کانادا ترتیبات غیر منظم و غیر یکنواخت انتخاباتی در مناطق باسک^۱ و کبک^۲ برای تسهیل در امر انتخابات اعمال می‌شود، در حالی که در نظام فدرالی مدیریت بحران و تعارض در کشورهای هم‌چون آلمان نیجر به آفریقای جنوبی و سوییس مورد تشویق و حمایت قرار می‌گیرد.^۳

1. Basque

2. Quebec

3. <http://www.aceproject.org/main/english/es/es10.html>

در نظام اسلامی نیز ولایت فقیه در رأس هرم نظام جمهوری اسلامی با خاستگاه الهی مورد توجه قرار می‌گیرد و مردم سالاری دینی در فعلیت بخشیدن به این خاستگاه نقش اساسی و تعیین کننده خواهند داشت.

نویسنده در این نوشتار درصدد آن است که به بررسی نقش و موقعیت عالی‌ترین مقام حکومتی در نظام‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا پرداخته و چگونگی انتخاب رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران به روش غیرمستقیم را با انتخاب غیرمستقیم ریاست جمهوری در ایالات متحده بررسی کند. اگر چه مقایسه نهاد رهبری و انتخابات مجلس خبرگان در ایران با نهاد ریاست جمهوری و شیوه انتخاب رییس جمهور ایالات متحده آمریکا در بدو امر، قیاسی مع الفارق به نظر می‌رسد؛ زیرا این دو، از منظر ساختار سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اعتقادی، با هم متفاوت می‌باشند، اما نظر به این که نهاد رهبری در ایران و ریاست جمهوری در آمریکا، به عنوان عالی‌ترین مقام حکومتی محسوب شده و روش انتخابات رهبری در ایران و ریاست جمهوری در آمریکا به صورت انتخابات غیرمستقیم می‌باشد، این مقایسه درخور توجه می‌شود.

◀ بخش اول - نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش رهبری و چگونگی انتخاب

□ مبانی نظام جمهوری اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر اصول کلی و اهداف حکومت اسلامی، که بر پایه‌های اصول توحید، معاد، عدل الهی و امامت و رهبری و همچنین توجه به کرامت و ارزش‌های انسانی استوار است، بنا نهاده شده و مؤسسان این قانون توجه به جایگاه انسان، محوریت جایگاه مردم، صلابت و استقامت در حفظ و صیانت از احکام اسلام، ارتقای انسان به خودشناسی و طبیعت‌شناسی، تأمین قسط و عدالت و آزادی‌های اجتماعی و استقلال همه جانبه کشور و غیره را مد نظر قرار داده‌اند.^۱

از آنجا که قانون اساسی ایران به دنبال پی‌ریزی نظامی مکتبی است، اصول متعددی از آن بیانگر حاکمیت دینی، و ایجاد نهادها و بنیادهای اقتصادی و سیاسی است که بایستی بر مدار قرآن و سیره نبوی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام اداره شوند. از این‌رو دیده می‌شود که



۱. یزدی، محمد، شرح و تفسیر قانون اساسی، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، ۱۳۶۸، صص ۴۴-۱۷.

قانون
اساسی ایران
به دنبال پی‌ریزی
نظامی
مکتبی است،
اصول
متعددی از آن
بیانگر
حاکمیت دینی،
و ایجاد نهادها
و بنیادهای
اقتصادی و
سیاسی است
که بایستی
بر مدار قرآن
و سیره نبوی
و اهل بیت
عصمت و طهارت علیهم‌السلام
اداره شوند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول متعددی مانند ۱،
۲، ۴، ۵، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۶، ۵۷، ۷۲،
۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۹، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۰
و ۱۷۵ بیانگر حاکمیت دین و مبانی اسلامی بوده و بر پایه ایمان به
توحید، نبوت، معاد، عدل الهی، امامت‌مستمر، کرامت و ارزش
والای انسان و آزادی توأم بلمسؤولیت او در برابر خداوند تنظیم
شده‌اند.^۱ بر این اساس مشروعیت در این نظام؛ یعنی حق‌اصدار
فرمان و حکم راندن بر پایه اطاعت از اوامر و نواهی خداوند استوار
بوده و مشروعیت حکومت دینی دائر مدار رأی افراد نیست، بلکه
افراد در مقبولیت و فعلیت بخشیدن به آن مؤثر می‌باشند.^۲
در جمهوری اسلامی که حکومتی الهی - مردمی است، هیچ
کس حق ندارد خود را رهبر مردم اعلام کند، مگر آن که به طور
مستقیم توسط مردم و یا غیرمستقیم توسط نمایندگان آگاه و
خبرگان مردم، برای سمت زمامداری انتخاب شود. قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران نخستین تجربه جهان معاصر است که
یک مرجع دینی را بر اساس شرایط و اوصاف معینی، به عنوان
ولی امر فقیه و عالی‌ترین مقام حکومتی، در رأس قدرت و
حاکمیت کشور قرار می‌دهد.

در این نظام، افزون بر پذیرش اصل تفکیک قوا و قبولی
استقلال قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی) از قوه مجریه و قوه
قضاییه، نهاد برتری به نام ولایت فقیه را در رأس امور و حاکمیت
قرار گرفته است و لذا اصول ۱، ۲، ۵، ۵۷، ۶۰، ۹۱، ۱۱۳، ۱۴۲ و ۱۶۲
قانون اساسی، مربوط به نهاد رهبری می‌باشد.

۱. جوان آراسته، حسین، قانون اساسی و مبانی حاکمیت دینی در قانون
گذاری، فصلنامه حکومت اسلامی، سال ۸، شماره ۲، تابستان ۸۲، صص ۷۲-۹۸
۲. چنانکه ولایت امیر مؤمنان علیه‌السلام که ولایتی منصوب از جانب خداوند
متعال بود، با بیعت دیر هنگام مردم بعد از سال‌های متمادی خانه نشینی
فعلیت پیدا کرد.





اگر چه اصل تفکیک قوا^۱ میان قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضاییه به خود جامعه فلسفی پوشانده و به صورت هدف در آمده است، چنانکه در ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان درج شده است،^۲ اما این اصل خود به خود دارای ارزش درون ذاتی و مجرد نیست، بلکه وسیله‌ای است در خدمت اصول و هدف‌های مهمتر که حفظ آزادی‌های فردی، پیش‌گیری از استبداد و خودسری و ایجاد نوعی حکومت مردم‌سالار میانه رو؛ از جمله آنان است.^۳

بنابراین، نظام‌های حقوقی کوشش کرده‌اند با شیوه‌های معینی؛ مانند تقسیم حاکمیت ملی به طور متساوی میان دستگاه‌های مربوط به قوا، تقسیم وظایف آن‌ها بر اساس تخصص‌های ذیربط، ایجاد استقلال میان اندام‌ها و دستگاه‌های دولت به گونه‌ای که از دخالت قوا در کار یکدیگر جلوگیری کند، اهرم‌های تعدیل‌کننده‌ای را جهت ایجاد هماهنگی و اعتدال در قوای سه گانه تعریف کنند.

□ مکانیزم‌های مردم‌سالارانه دینی

در جامعه‌ای که مردم با آزادی کامل و داشتن عقل و اراده، نظام سیاسی اسلام راستین را می‌پذیرند، در حقیقت حاکمیت خدا را پذیرفته‌اند. فقها در نقش نظارت و ارشاد مردم به اوامر الهی، در رهبریت جامعه می‌کوشند. آنان احکام الهی را بیان می‌کنند و افراد

۱. نخستین طلایه داران اصل تفکیک قوا جان لاک (John Locke) انگلیسی و دیگری منتسکیو (Montesquieu) فرانسوی است. در خصوص منشأ این اصل، رجوع کنید به قاضی، ابوالفضل، گفتارهایی در حقوق عمومی، نشر دادگستر، ۱۳۷۵، صص ۱۹۴-۱۸۱

۲. ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان، مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹ مقرر می‌دارد: «هر جامعه‌ای که در آن، نه حقوق تضمین و نه تفکیک قوا برقرار شده باشد، دارای قانون اساسی نیست».

۳. قاضی، سابق الذکر، ص ۱۹۴



مستبدی نیستند. اصل رهبری ولی فقیه در جمهوری اسلامی، نه تنها حاکمیت مردم بر سرنوشت خود را منکر نمی‌شود، بلکه بالاترین نمونه اجرای واقعی مردم‌سالارانه دینی را تحقق می‌بخشد.^۱ از شواهد حاکم بر نگرش مردم‌سالارانه در این نظام، اصول زیر در قانون اساسی است:

*** نقش مشارکت عمومی:** انقلاب اسلامی ایران با مشارکت گسترده و وسیع مردم شکل گرفت و اصول متعدد قانون اساسی به خصوص اصل ۲۶ آن، بیانگر آن است که نظام جمهوری اسلامی بر اساس اصل حاکمیت مردم بر سرنوشت خود بوده و ادامه حیات آن، با محوریت مردم میسر خواهد بود. بنابراین، حاکمیت ملی، که ودیعه‌ای الهی است، از طریق انتخابات و همه‌پرسی محقق می‌شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جلوه‌های مختلفی از مشارکت حقوقی (اصول ۱، ۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۴، ۶۲ و ۱۰۰ قانون اساسی) سیاسی (اصل ۲۶) و اجتماعی (اصل ۸) از سوی مردم را پیش‌بینی کرده است. اصول مزبور به همراه دیگر اصول قانون اساسی نظیر اصول ۵۶، ۷، ۵۸، ۵۹، ۱۷۷، ۲۶، ۲۷ جلوه‌گر مشارکت‌های متنوع حقوقی و سیاسی و اجتماعی و مجموعه اعمال و افعال قانونی است که زمامداری کشور را مردم‌سالارانه بیان می‌کند. همچنین به استناد اصل ۱۷۷ قانون اساسی، محتوای اصل اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی تغییر ناپذیر بوده و این حکایت از درجه بالای اهمیت این اصل دارد.^۳

*** نظارت فعال و همگانی:** طبق اصل هشتم قانون اساسی مردم موظف‌اند حتی در برابر انحراف رهبر نیز ساکت و بی‌تفاوت نباشند. البته حاکمیت مطلق، هر گاه به مفهوم اراده مطلق ملت باشد، امری موهوم بوده و حتی در نظام مدعی دموکراسی نیز اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا پیوسته به جز اراده ملت عوامل دیگری نیز در تکوین اراده حکومت مؤثرند که خواه ناخواه آن را محدود می‌سازند، که عوامل مزبور در نظام اسلامی، برخاسته از خاستگاه الهی می‌باشد.^۴

۱. خلیل زاده، خلیل، قانون اساسی جمهوری اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۵۸، صص ۱۶۲-۱۶۰
۲. اصل ۶ ق.ا.ج.ا.۱. مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخابات رییس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد».
۳. هاشمی، سید محمد، جامعه مدنی و نظام سیاسی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۴-۲۳، سال ۱۳۷۷، ص ۶۷
۴. زنجانی، عمید، فقه سیاسی، ج ۱، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶، صص ۲۷۸-۲۷۷

بنا بر اصل ۵۶،
پذیرش
اجرای حق
حاکمیت خداداد
از سوی ملت،
نشان دهنده
قبول
حاکمیت ملی
و مردم سالارانه
در قانون
اساسی است؛
خواه به صورت
غیر مستقیم
و یا
نیمه مستقیم.

* **حاکمیت مردم و نظام شوراها:** به صراحت اصول ۶، ۷ و ۵۶ قانون اساسی، مردم و شوراها در اداره امور کشور نقش اساسی دارند.

* **شرایط سنگین رهبری:** اصل ۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل ۱۰۷ عهده دار آن می‌گردد.» این اصل که بر آموزه‌های دینی استوار است، به ضرورت دخالت علمای دین در امر زمامداری کشور تأکید می‌کند تا از طریق اجرای احکام دین تضمین گشته، عدالت حکمفرما شود و از ستمگری جلوگیری گردد.^۱

* **تحریم حکومت فردی یا طبقه‌ای خاص:** بنا بر اصل ۵۶، پذیرش اجرای حق حاکمیت خداداد از سوی ملت، نشان دهنده قبول حاکمیت ملی و مردم سالارانه در قانون اساسی است؛ خواه به صورت غیر مستقیم و یا نیمه مستقیم.^۲

۱. در این خصوص ر.ک. به: آیات ۱۲۴ و ۲۴۷ از سوره بقره، ۲۴ از سوره سجده، ۵۹ از سوره نساء، ۳۵ از سوره یونس، خطبه ۲۰۹ و ۱۳۱ و ۱۶۴ و نامه ۶۲ و حکمت ۱۱۰ از نهج البلاغه و همچنین به هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲ نشر دادگستر، صص ۳۰-۲۳ مراجعه شود.

۲. دموکراسی غیرمستقیم، به دموکراسی نماینده سالار گفته می‌شود که در این حاکمیت ملی، قدرت یکپارچه مجموعه افراد به طور با واسطه و از طریق نمایندگی بر سرنوشته افراد فعلیت می‌یابد. دموکراسی نیمه مستقیم که ترکیبی از دموکراسی مستقیم (حاکمیت مردم) و دموکراسی غیرمستقیم (حاکمیت ملت) به وجود آمده و قدرت سیاسی به دو درجه موازی، هم توسط نمایندگان مردم و هم به وسیله خود مردم اعمال می‌شود. در این شیوه، اصل بر وجود مجالس مقننه است و علاوه بر آن شهروندان نیز حق دارند به صورتی نظیر وتوی مردم (وتوی عمومی)، همه پرسی (رفراندوم)، پله بیسیت (تأیید عمومی)، ابتکار عام (ابتکار عمومی) و گزینش‌گری، مستقیماً اعمال قدرت سیاسی کنند. هاشمی، حقوق اساسی ...، ج ۲ سابق الذکر، ص ۴؛ قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، نشر دادگستر، ۱۳۷۵، صص ۱۳۷-۱۳۲



*** محور هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی:** طبق بند ششم از اصل ۳ قانون اساسی، دولت باید همه امکانات خود را جهت «محور هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» به کار گیرد. بنابراین، اداره کشور بر اساس حکومت استبدادی که در آن فرمانروایان خود را مقید به قانون نمی‌دانند و امور کشور را خودسرانه و بدون دخالت مردم اداره می‌کنند و به عبارت دیگر، اگر نظام حاکم مردم‌سالار نباشد، مطرود و ممنوع است؛ خواه این استبداد به صورت سلطنت مطلقه باشد یا استبداد دینی، دیکتاتوری نظامی و یا غیرنظامی.

در راستای این وظیفه اساسی دولت، علاوه بر تصریح اصل ۹ قانون اساسی، که «هیچ مقامی حق ندارد... آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند»، و همچنین اصل ۵۶ که «هیچ کسی نمی‌تواند حق تعیین سرنوشت افراد را سلب نماید یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد»، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۲۲، ۲۵، ۳۳، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۹، و ۲۸ به آزادی‌های فردی و در اصول ۳، ۲۳، ۲۴، ۲۶ و ۲۷ به آزادی‌های گروهی و در اصول ۶، ۷، ۶۲، ۱۰۷ و ۱۱۴ به آزادی‌های سیاسی هم پرداخته است.

*** تساوی در برابر قانون:** مطابق بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی، عموم مردم در مقابل قوانین مساوی هستند و این تساوی اقتضا می‌کند که حق رأی برای همگان برابر بوده، زمامداران امتیازی نسبت به دیگران نداشته و همانند تمام مردم تابع قانون و مسؤول تمام اعمال خود باشند.^۱ مطابق اصول ۱۱۳ و ۱۰۷ قانون اساسی، مقام رهبری به عنوان عالیترین مقام رسمی کشور در برابر قوانین، با سایر افراد کشور مساوی است و این قاعده به طریق اولی سایر زمامداران نظام جمهوری اسلامی ایران را نیز شامل می‌شود.

*** کنترل دارایی رهبر و دیگر مقامات حکومتی:** نظر به این که مقامات حکومتی مذکور در اصل ۱۴۲ قانون اساسی، خزانه دولتی و حجم زیادی از اموال و دارایی عمومی را در اختیار دارند، لذا بر اساس اصل ۱۴۲ قانون اساسی، دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان، قبل و بعد از خدمت، به وسیله قوه قضاییه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

۱. هاشمی، جامعه مدنی...، صص ۷۳ و ۱۰۵

حقوق
اساسی ایران،
بر اساس نظام
الهی - انسانی
استوار است،
لذا اداره
چنین نظامی
نیازمند
رهبری و مدیریت
کارشناس دینی
دانا،
با تقوا،
امین،
مدیر و مدبر
می‌باشد
تا کشور را
بر اساس دین
پذیرفته شده
جامعه
اداره کند.



برترین مقام حکومتی و چگونگی...

▽
۱۵۱

* **کنترل پارلمانی:** بر اساس اصل ۷۶ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام کشور؛ اعم از مسائل داخلی و بین‌المللی را دارد و همچنین مطابق اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.

* **اعمال حاکمیت مردم توسط رهبر:** اصل ۵۷ علاوه بر پذیرش اصل تفکیک قوا، که برای جلوگیری از تمرکز قدرت سیاسی در دست یک فرد یا یک گروه و پرهیز از استبداد و خودکامگی صورت گرفته است، رهبر به عنوان عالیترین مقام حکومتی بر کل امور کشور نظارت و سلطه تشریحی، تنفیذی و قضایی دارد.^۱ در این نظام، رهبر به صورت قوه برتر تعدیل کننده و هدایت از بیرون مطرح می‌شود، که با توجه به صفات و مشخصاتی که قانون اساسی برای ولی در نظر گرفته است و اعمال وی از طریق مجلس خبرگان نظارت می‌شود و همچنین بنا بر اصل تساوی در برابر قانون و اوصاف اخلاقی وی، امکان سوء استفاده از قدرت بسیار اندک است.^۲

* **مجلس خبرگان:** مجلس خبرگان رهبری طبق اصول ۱۰۷، ۱۰۸ و ۱۷۷ قانون اساسی، وظیفه انتخاب، عزل و نظارت بر رهبری و نهادهای تحت نظر ایشان را بر عهده دارد و طبق آیین نامه داخلی، مجلس خبرگان موظف به وضع قوانین مربوطه است.

□ **رهبری و نقش آن در جمهوری اسلامی ایران**

در دیباچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:
«بر اساس ولایت امر و امامت مستمر قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر

۱. هاشمی، حقوق اساسی ...، صص ۸۷ و ۸۸.

۲. عمید زنجانی، صص ۲۹۱-۲۹۲.

شناخته می‌شود، «مجاری الأمور بيد العلماء بالله الأمانة على حلاله و حرامه»^۱ آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی باشد. نظر به این که حقوق اساسی ایران، بر اساس نظام الهی - انسانی استوار است، لذا اداره چنین نظامی نیازمند رهبری و مدیریت کارشناس دینی دانا، با تقوا، امین، مدیر و مدبر می‌باشد تا کشور را بر اساس دین پذیرفته شده جامعه اداره کند. بر این اساس رهبری که واجد مقبولیت عام است، باید در بین سایرین؛ از جهت اخلاقی، سیاسی، نفوذ اجتماعی، حسن شهرت، تقوا، کیاست و غیره آنچنان چهره مطلوب و شاخصی داشته باشد که توجه همگان را به خود جلب نماید.^۲ مهمتر از همه آن که فرد انتخاب شده، ضمن احراز عدالت نظری و عملی، بایستی دارای حد بالایی از کارشناسی فقهاتی و اجتهادی باشد تا در مرحله حدوث و بقا، سنت و سیرت الهی را به صورت محققانه بررسی و رعایت کند. بنابراین قول مشهور و آنچنان که غالب علما و محققان به آن اذعان دارند: «در فقه شیعه امامیه، اصل اساسی فقه سیاسی مبتنی بر این تأسیس است که در عصر غیبت فقها نواب و خلفای عام امام غایب‌اند.

بنابراین از دیدگاه شرع مقدس اسلام، انتخاب ولی فقیه و رهبری نظام جمهوری اسلامی سمتی نیست که با انتخاب مردم به شخص فقیه واجد شرایط اعطا گردد، بلکه مردم با رأی خود فقیه‌ای را که این سمت از سوی ائمه عليهم السلام (بنابر مبنای نصب) به او داده شده است، به عنوان رهبر خود می‌پذیرند و به اصطلاح او را به این عنوان به رسمیت می‌شناسند. بر این اساس بر خلاف رؤسای قوه مقننه، مجریه و قضاییه که هر یک دارای دوره معین و تعریف شده‌ای هستند، استمرار رهبری ولی فقیه در ایران دایره مدار حفظ اوصاف و شرایط مستحدثه‌ای است که در شکل‌گیری ولایت فقیه نقش داشته است و لذا دوره معینی برای ولایت امر در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی نشده است.

□ وظایف و اختیارات رهبری در جمهوری اسلامی ایران

تأسیس نهاد رهبری در جامعه اسلامی ایران، بدان معناست که مجاری امور در دست فقیه‌ی جامع شرایط قرار گیرد تا با تشخیص حلال و حرام، ضامن عدم انحراف سازمان‌های



۱. تحف العقول، ص ۲۳۸

۲. هاشمی، حقوق اساسی...، ص ۴۷

مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد و بدین منظور قوای سه گانه حاکم، زیر نظر ولایت امر قرار می‌گیرند. در این نظارت که جلوه گویایی از امر به معروف و نهی از منکر مندرج در اصل ۸ قانون اساسی است، مقام رهبری شخصاً و یا از طریق نمایندگان خود، کلیه دستگاه‌ها را به اجرای حقوق خداوند و مردم مکلف می‌سازد و از طرفی رهبر از مقام و شخصیت روحانی خود بهره جسته و مردم و دولت را در امور اجتماعی و سیاسی دعوت به خیر می‌نماید.

رهبری در جمهوری اسلامی ایران اختصاص به هیچ خانواده، قوم، گروه یا نژاد خاصی ندارد. نه بر اساس توارث است و نه به طور مادام‌العمر. مدت رهبری بستگی به توانایی‌های لازم برای این مقام و حفظ شرایط دارد. در هر حال، به جهت رعایت اصل مساوات در برابر قانون، بدون تردید تمامی قوانین مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و غیره که بر مردم حاکم است بر رهبر نیز قابلیت اعمال دارد.

رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران از یک سو منتخب مجلس خبرگان بوده و در مقام ریاست و حاکمیت کشور در رأس هرم نظام قرار می‌گیرد و از سوی دیگر عالی‌ترین مقام رسمی کشور است. بدون تردید در خصوص حاکمیت داخلی می‌توان قائل بر آن شد که رهبر عالی‌ترین مقام سیاسی است. اما از نظر بین‌المللی که رییس جمهور اعمال مربوط به سیاست خارجی را انجام می‌دهد، اگر چه وی به طور رسمی نماینده اعمال حاکمیت کشور در سطح بین‌المللی تلقی می‌گردد، اما با این توجه که اعمال رییس جمهور باید منطبق با سیاست‌های کلی تعیین شده از سوی رهبری باشد.^۱

رهبری در نظام جمهوری اسلامی، علاوه بر آن که قوه تعدیل کننده میان قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضاییه است، نقش هماهنگ کننده میان آن‌ها را نیز ایفا می‌کند تا در مواقع بحرانی، با تصمیمات درست و سریع، مملکت را از بحران نجات دهد. در اداره عالی کشور، تعیین سیاست‌های کلی نظام، فرمان همه پرسی، نصب و عزل برخی مقامات عالی حکومتی، حل اختلاف قوا و تنظیم روابط قوای سه گانه و حل معضلات نظام از یک طرف و در مقام نظارت بر قوای سه گانه از طرف دیگر (اصل ۵۷)، از صلاحیت‌ها و اختیارات تعیین کننده رهبری است. رهبر با این مقام در برابر قوانین، با سایر افراد کشور مساوی است (ذیل اصل ۱۰۷) و در انجام وظایف خود در مقابل مجلس خبرگان پاسخ‌گوست (اصل ۱۱۱).



۱. هاشمی، حقوق اساسی...، ص ۳۴۹



اگر چه رهبر در مقام نظارت، تعدیل و هماهنگی قوای سه‌گانه، از صلاحیت و اختیارات فراوان و تعیین‌کننده‌ای برخوردار است، این وسعت اختیارات و موقعیت توأم با قداست متداول اجتماعی و سیاسی وی به حدی است که ابتکار عمل و اشراف و نظارت نهادهای مردمی نسبت به این چنین زمامداری را، بر خلاف آنچه که در دموکراسی‌های غربی مورد انتظار است، کم‌رنگ و یابی رنگ می‌کند.^۱

براساس اختیارات رهبری که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی آمده، شایسته‌ترین مقام برای حل مسائل خاص، که از حوزه اختیارات مشخص قوای سه‌گانه خارج است، رهبر منتخب مردمی باشد و او می‌تواند قبل از آن که موضوعی موجب بروز بحران یا مشکلات جدی برای کشور شود، در خصوص آن اقدام کند، متها این امر از طریق مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت می‌گیرد.

□ شیوه‌های تعیین رهبر در جمهوری اسلامی ایران

قبل از بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ هجری شمسی، شناسایی و تعیین ولی فقیه و رهبری نظام جمهوری اسلامی، بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی^۲ به دو روش

۱. هاشمی، جامعه مدنی...، ص ۱۳۳

۲. اصل ۱۰۷ قانون اساسی: «پس از مرجع عالی قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره) که از طرف اکثریت قاطع مردم بر مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول ۵ و ۱۰۹ بررسی و مشورت می‌کنند، هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل ۱۰۹ تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب می‌کنند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسؤولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.»

زیر پیش بینی شده بود:



الف) تعیین رهبر با پذیرش اکثر مردم، که در مورد امام راحل، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران علیه السلام به منصفه ظهور رسید.

ب) تعیین رهبر به وسیله خبرگان منتخب مردم، که در صورت عدم تحقق روش اول، مورد استفاده قرار می گیرد و این روش دوم نیز به دو صورت عملی می شد: ۱. نمایندگان مجلس خبرگان از میان فقهای واجد شرایط، یک نفر را به عنوان رهبر تعیین می کنند ۲. نمایندگان مجلس خبرگان از میان فقهای واجد شرایط، سه یا پنج نفر را به عنوان شورای رهبری بر می گزینند. البته مجلس خبرگان در صورتی به تعیین شورای رهبری اقدام می کند که هیچ یک از فقهای واجد شرایط را دارای برتری خاصی برای رهبری نیابد.

اما در بازنگری قانون اساسی، در سال ۱۳۶۸، در اصول ۵ و ۱۰۷ تغییراتی ایجاد شد، که بر اساس آن، علاوه بر حذف شرط مرجعیت بالفعل برای احراز مقام رهبری، تعیین رهبر از طریق پذیرش اکثریت مردم نیز حذف گردید و مجلس خبرگان هم موظف شد در صورتی که از میان واجدین شرایط رهبری، شخصی دارای برتری خاص نبود، بنابر قاعده تخییر، یکی از آنان را به عنوان رهبری برگزینند و به سراغ تعیین شورای رهبری نرود. بنابراین، تنها یک راه برای تعیین رهبر در نظر گرفته شد و آن انتخاب به وسیله مجلس خبرگان بود.

در تعیین آخرین شکل انتخاب رهبر، امام خمینی علیه السلام نقش تعیین کننده ای داشتند. دست خط ایشان به رییس شورای بازنگری قانون اساسی، مبنی بر این که در رهبری مرجعیت شرط نیست و نیز مبنی بر نافذ بودن حکم مجتهد عادل منتخب خبرگان منتخب مردم، به منزله فرمانی تخطی ناپذیر در مباحث شورای بازنگری مورد استفاده قرار گرفت. همین بینش امام خمینی علیه السلام



برترین مقام حکومتی و چگونگی...

است که در مهمترین مسأله مورد اختلاف شیعه و سنی؛ یعنی رهبری، این دو نگرش را آنقدر به هم نزدیک کرد که امروزه به رغم این که شیعه اصل امامت را از اصول دین و امهات عقیدتی و اهل سنت، آن را امری نسبتاً عرفی می‌دانند، نتیجه عملی مهمی بر اختلاف نظریه‌های میان علما و فقهای مذاهب خمس مترتب نیست.

در هر حال، مجلس خبرگان رهبری در تعیین رهبر، با دو حالت مواجه می‌شود: الف) یکی از واجدین شرایط، دارای برتری خاصی نسبت به دیگران است (با توجه به شرایطی که در اصول ۵ و ۱۰۹ آمده است). ب) هیچ یک از واجدین شرایط نسبت به دیگران برتری ندارد.

بدیهی است در حالت نخست، شخصی که دارای صفات برتر است، به عنوان رهبر تعیین می‌گردد، اما در حالت دوم به منظور حفظ وحدت در جامعه اسلامی و به انگیزه دفع مضار ناشی از تعارضات در اداره شورایی حکومت توسط مجلس خبرگان رهبری، مجلس خبرگان موظف است نسبت به یک فقیه جامع شرایط توافق کند و یکی از آنان را به عنوان رهبر برگزیند. بنابراین، در هر حال رهبری شخصی واحد است.

در اینجا پرسشی مطرح است و آن این که: چرا شیوه تعیین رهبر از سوی اکثریت مردم که در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ پذیرفته و در مورد حضرت امام علیه السلام عملی شد، در بازنگری حذف گردید؟

در پاسخ به این پرسش‌ها می‌توان به چند نکته اشاره کرد:
- حذف این شیوه به معنای عدم مشروعیت و یا غیر قانونی بودن آن نیست، بلکه صرفاً به جهت رعایت مصلحت عظمای کشور داری و حفظ یکپارچگی نظام در مرحله عمل بوده است.

- تعیین رهبر با گرایش عمومی مردم به سوی او؛ چنانکه در مورد حضرت امام خمینی علیه السلام تحقق یافت، به عنوان یک راه کلی و همیشگی نمی‌تواند محقق شود؛ زیرا این وضعیت معمولاً در حالات خاص انقلابی و در جریان مبارزات و دگرگونی‌ها امکان پذیر است. بنابراین، در حالت ثبات و آرامش سیاسی نمی‌توان انتظار داشت که از این شیوه برای تعیین رهبر استفاده شود.^۱

۱. هاشمی، حقوق اساسی...، ص ۵۷

- شناخت رهبر و احراز شرایط مقام رهبری از سوی عموم مردم بسیار مشکل و گاهی غیرممکن است؛ چرا که مردم در این مورد تخصص کافی ندارند. حتی در بعضی از صور، تشخیص دقیق این شرایط و احراز کسی که دارای صفات برتری است، برای خبرگان نیز خالی از دشواری نیست چه رسد به عموم مردم.^۱

- ممکن است آرای مردم تحت تاثیر تبلیغات سوء یا جناح بندی‌های سیاسی قرار گیرد و از مسیر صحیح شرعی خویش تغییر جهت دهد و لذا شاید نتوان تکیه بر آرای عموم در این خصوص را نشانگر گرایش واقعی آنان تلقی کرد.

□ مجلس خبرگان و نقش آن در تعیین رهبر

تا زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران، زمینه‌های مقتضی فراهم نشده بود که مسلمانان برای انتخاب رهبری جامع‌الشرایط، از یک نهاد قانونی و مردمی برخوردار باشند و نهاد مزبور بر اساس معیارها، اصول، ضوابط، و قانون اساسی، رهبر و حاکم اسلامی را انتخاب کنند. در هیچ یک از ۵۶ کشور اسلامی موجود نیز، نهاد ولایت فقیه در امتداد رسالت و امامت وجود ندارد. نهاد مجلس خبرگان نیز که بتواند ولی فقیه دارای اوصاف معین در روایات را تعیین کند تشکیل نیافته است. مجلس خبرگان رهبری در ایران، با ویژگی‌های خاص خود، در کشورهای دیگر بی‌مانند است.

مجلس خبرگان رهبری میراث گرانبهای امام و انقلاب اسلامی ایران و حاصل مبارزات ۲۰۰ ساله اخیر علمای بزرگ و روحانیت و مجاهدان فی سبیل الله است و یک نهاد اساسی پیش‌بینی شده مستقل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظیر مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان می‌باشد که برای تحقق اهداف و مسؤولیت‌های معینی شکل می‌گیرد.

یکی از راه‌های شناخت فرد واجد صلاحیت برای رهبری نظام جمهوری اسلامی و انتخاب وی به عنوان ولی فقیه، نمایندگان خبرگان رهبری است که وی را به منصب مهم الهی انتخاب می‌کنند. نظر به این که در نظام جمهوری اسلامی ایران ولایت فقیه محور نظام بوده و حاکمیت واقعی بر عهده اوست. و در حقیقت همه نهادها مشروعیت حکومت خود را از رهبری می‌گیرند. انتخاب رهبر به وسیله اعضای مجلس خبرگان، به عنوان نمایندگان مستقیم مردم، از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در این نظام، رهبر که سمت



او الهی است، علاوه بر آن که مکلف به انجام وظایف الهی خود در رهبری و خدمت به مردم است،^۱ در برابر مجلس خبرگان مسؤولیت حقوقی و سیاسی دارد.^۲

اگر چه قانون اساسی نسبت به این امر که آیا مصوبات مجلس خبرگان، از جمله تعیین رهبر از نظر انطباق با موازین شرعی و مفاد قانون اساسی لازم است به تأیید شورای نگهبان برسد؟ سکوت را برگزیده، اما به نظر می‌رسد که شورای نگهبان چنین ورودی را ندارد، بلکه این شورا تنها نسبت به مصوبات مجلس شورای اسلامی و انطباق با شرع و قانون اساسی اظهار نظر می‌کند، مگر آن که چنین تفویض اختیاری توسط مجلس خبرگان به شورای نگهبان شده باشد. البته شورای نگهبان نظر به این که تنها مرجع ذیصلاح برای تفسیر قانون اساسی است، بدیهی است در خصوص تفسیر اصولی که در ارتباط با مجلس خبرگان مطرح است اظهار نظر خواهد کرد، چنانچه شورای مزبور مبادرت به تفسیر اصل ۱۱۱ قانون اساسی حسب درخواست نایب رییس مجلس خبرگان نمود.^۳

□ عزل رهبر و تعیین شورای موقت رهبری

در اصل ۱۱۱ قانون اساسی آمده است: «هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول ۵ و ۱۰۹ گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل ۱۰۸ می‌باشد. در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظف‌اند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورای مرکب از رییس جمهور، رییس قوه قضاییه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در

۱. صادقی نشاط، امیر، معرفی نظام جمهوری اسلامی ایران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۸، ص ۳۴
۲. مصاحبه آیت الله هاشمی رفسنجانی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال ۸ شماره ۲، تابستان ۸۲، ص ۲۳۳
۳. شورای نگهبان پیرو درخواست استفساری نایب رییس مجلس خبرگان، جناب آقای هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۳۶۲/۵/۱۸ در خصوص اصل ۱۱۱ قانون اساسی مبنی بر این که «آیا مجلس خبرگان، آیین‌نامه اجرایی آن اصل را، فقط می‌تواند در اجلاس اول تنظیم کند یا ممکن است در اجلاس‌های بعدی هم اصلاحاتی به عمل آورد؟» مقرر داشت: «مستفاد از اصل ۱۱۱ قانون اساسی این است که مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل، به عهده مجلس خبرگان است و تعیین آن در اولین اجلاس، مربوط به دستور اولین اجلاس می‌باشد. بنابراین، تغییر و هر گونه اصلاح لازم از طرف مجلس خبرگان در مقررات مذکور، از لحاظ قانون اساسی بلامانع است.» فصلنامه حکومت اسلامی، سال ۸ شماره ۲، تابستان ۸۲، ص ۲۳۶

این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها در شورا به جای وی منصوب می‌گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمت‌های «د» و «ه» و «و» بند ۶ اصل ۱۱۰ پس از تصویب سه چهارم اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند. هر گاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگر موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده دار خواهد بود.»

بنابراین، از آنجا که مطابق مبانی دینی، ولایت و رهبری دائر مدار فقاهت است، لازم است وزن فقاهت در ترکیب شورای موقت رهبری بیشتر باشد و حداقل دو تن از ترکیب سه نفره (فقیه شورای نگهبان، رییس قوه قضاییه) فقیه باشند.^۱

□ شیوه انتخاب اعضای مجلس خبرگان

نظر به اهمیت زایدالوصف مجلس خبرگان و این که مجلس مزبور سند مقبولیت و مشروعیت نظام بوده و مشروعیت خود را از اسلام و فقاهت و مقبولیتش را از رأی آگاهانه ملت شریف اخذ می‌کند، نمایندگان مجلس خبرگان باید از میان فقها انتخاب شده و علاوه بر دارا بودن دیدگاه‌های مختلف فقاهت، سیاست، بصیرت، شجاعت و غیر اینها، قدرت تشخیص معیارهای لازم و تطبیق آن معیارها را با شخص ولی فقیه جهت زمامداری امت اسلامی داشته باشند. بر این اساس، نمایندگان مزبور بایستی معتقد به نظام جمهوری اسلامی و مشتهر به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی بوده، مدیر و مدبر و شجاع و آشنا به مسائل روز باشد همچنین مجتهد جامع الشرایط حسب مقتضیات مکان و زمان بوده و از مراتب عدالت و تقوا برخوردار باشد و هیچگونه سوء سابقه و پیشینه کیفری نداشته باشد.

مدت فعالیت نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، یک دوره ۸ ساله است که پس از رأی گیری به صورت مخفی و مستقیم، با اکثریت نسبی آرا تعیین می‌شود. در انتخابات مجلس خبرگان هر چه مردم شریف ایران پای صندوق‌های رأی بیشتر حضور یابند و منتخبان آنها افرادی شایسته تر و وجیه المله تر و قابل قبول تر برای جامعه باشند، اعتبار مجلس خبرگان



۱. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری ق.ا.ج.ا. ج. ۳، صص ۱۳۱۷، ۱۴۱۳، ۱۳۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۲۳، ۱۴۳۳، ۱۴۳۵، ۱۴۳۷، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۶، ۱۶۴۵

نیز افزایش پیدا خواهد کرد و مشروعیت و مقبولیت نظام و رهبری در جمهوری اسلامی ایران تحقق خواهد یافت.

◀ بخش دوم - نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا، نقش رییس جمهور و چگونگی انتخاب

□ نظام مجریه ریاستی در آمریکا

در رژیم ریاستی آمریکا، که بر اساس قانون اساسی ۱۷ سپتامبر سال ۱۷۸۷ میلادی مقرر شده است، قوای مقننه و مجریه در یک سطح قرار گرفته و از یکدیگر مستقل هستند و هیچ کدام تابع دیگری نیستند، به گونه‌ای که تفکیک قوا در این خصوص به شکل کامل صورت پذیرفته است.^۱

پس از پذیرش اساسنامه کنفدراسیون^۲ در سال ۱۷۸۱ میلادی، اصطلاح «رییس جمهور کنگره قاره‌ای»^۳ به عنوان «رییس جمهور ایالات متحده در مجمع کنگره»^۴ تغییر یافت. بر اساس پیش بینی اولیه، رییس جمهور آمریکا، رییس دولت آمریکا و یا رییس حکومت نبود. وی فقط نماینده رسمی کنگره بود، اما پس از تدوین قانون اساسی آمریکا، موقعیت رییس جمهور در مجمع نمایندگان (کنگره) به سخنگویی مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا^۵ و رییس سنا^۶ تغییر یافت و پس از تأسیس قوه مجریه، نهاد ریاست جمهوری آمریکا به شکل امروزی در آمد.^۷ بنابراین، امروزه رییس جمهور آمریکا به عنوان شخص درجه یک و عالیت‌ترین مقام کشور، رییس دولت آمریکا،^۸ رییس اجرایی حکومت (دولت فدرالی)^۹ و

۱. قاضی، گفتارهایی ...، صص ۱۹۷-۱۹۶

۲. Articles of Confederation در خصوص مباحث تفصیلی در حقوق اساسی آمریکا ر.ک. به: قاضی، گفتارهایی ...، ص ۹۸؛ شیخ الاسلامی، سیدمحسن، حقوق اساسی تطبیقی، انتشارات کوشا مهر، ۱۳۸۰ صص ۵۹-۳۴؛ عالیخانی، محمد، حقوق اساسی، انتشارات دستان، ۱۳۷۳، صص ۲۳۳-۲۰۱

3. President of the Continental Congress .

4. President of the United States in Congress Assembled.

5. Speaker of the United States House of Representatives .

6. President of the Senate .

۷. Wikipedia, the free encyclopedia,

http://en.wikipedia.org/wiki/President_of_the_United_States .

8. Head of State .

9. Wikipedia,.... ibid.

اصل
تفکیک مطلق
قوای سه گانه
مجریه،
مقننه
و قضاییه
در نظام اساسی
آمریکا،
که در قرن
هیجدهم
مورد پذیرش
قرار گرفت،
به طور کامل
عملی نیست.

فرمانده کل نیروهای مسلح است.^۱ وی حق عزل و نصب وزرا را دارد و وزیران در برابر وی دارای مسئولیت سیاسی هستند. وزرا حق ورود به مجلس نمایندگان یا سنا را ندارند و اصولاً رابطه میان اعضای حکومت و نمایندگان، به طور غیر رسمی صورت می‌گیرد.^۲

رییس جمهور آمریکا قدرت زیادی دارد که بیشتر آن مشروط به قدرت کنگره^۳ بوده و یا توسط آن کنترل می‌شود.^۴ رییس جمهور از حیث سیاسی پاسخگویی کنگره نیست ولی در صورت ارتکاب اعمال خلاف قانون مورد اتهام و محاکمه کنگره قرار می‌گیرد. در هر حال، مجلسین سنا و نمایندگان، نمی‌توانند حکومت را ساقط کنند و حکومت نیز قادر به انحلال پارلمان نیست.^۵

□ اصل تفکیک قوا در نظام ریاستی آمریکا

امروزه اصل تفکیک قوا از اصول پذیرفته شده در بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا است. یکی از آثار تفکیک قوا به قوای مقننه،

۱. بخش اجرایی حکومت فدرالی یک سازمان بزرگ، حدود چهار میلیون نفر است که یک میلیون آن نیروهای نظامی فعال می‌باشد Wikipedia, ibid, . ۴۳) رییس جمهور آمریکا که هم اکنون دور دوم ریاست جمهوری آمریکا را می‌گذراند، جرج دبلیو بوش است.

۲. شیخ الاسلامی، ص ۴۹

۳. کنگره، که خود از دو مجلس؛ یکی سنا (برای مدت ۶ سال) و دیگر مجلس نمایندگان (برای مدت ۲ سال) ترکیب شده، کلاً نماینده حاکمیت ملی است.

4. Wikipedia, ibid.

۵. این حالت ناشی از اصل تفکیک قوا و استقلال قوه مجریه از مقننه است، لذا حیات قوه مجریه از پارلمان استقلال ارگانیک داشته و وابسته به اراده و تصمیم پارلمان نیست، لذا مجلس یا مجلسین حق انحلال یا سرنگونی قوه مجریه را ندارند. نخستین طلایه داران اصل تفکیک قوا جان لاک (JOHN LOCKE انگلیسی و دیگری منتسکیو (Montesquieu) فرانسوی است. در خصوص منشأ این اصل ر.ک. به: «قاضی، گفتارهایی ...» صص ۱۹۴-۱۸۱





مجریه و قضاییه، تقسیم قدرت در یک سازمان حکومتی است، تا کل قانون اساسی به عنوان ضابطه اجرا، حاکمیت و تبلور قدرت اجتماعی، به منصفه ظهور و اجرا در آید. لذا اجرای مسئولیت محوله توسط قانون‌گذاران به هر یک از قوا، به منزله اجرای بخشی از قوانین اساسی است و قوانین اساسی با هدف تقسیم قدرت، تلاش می‌کند تا ضمانت اجرایی برای تحقق و اجرای آن نیز پیش بینی کند.

- اگر چه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا تلاش کرده است نوعی تفکیک انعطاف ناپذیر قوا ایجاد کند،^۱ اما به نظر می‌رسد بر اساس موارد ذیل الذکر و نظر به این که رییس جمهور آمریکا از اختیارات بسیار وسیعی در اداره کشور برخوردار است،^۲ اصل تفکیک مطلق قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضاییه در نظام اساسی آمریکا، که در قرن هیجدهم مورد پذیرش قرار گرفت،^۳ به طور کامل عملی نیست؛ زیرا رییس جمهور علاوه بر آن که نظارت تام بر اجرای قوانین دارد و برای دستیابی به این هدف «دستورهای اجرایی» صادر می‌کند.^۴ با ارسال پیام سالیانه به کنگره، عملاً می‌تواند خط مشی قانون‌گذاری را به طور غیر مستقیم و گاهی مستقیم پایه‌ریزی کرده و تصویب قوانین خاصی را پیشنهاد کند. اگر چه پارلمان در رد یا قبول آن منخیر است ولی تأثیر پیام رییس جمهور در چگونگی تصمیم‌گیری کنگره حتمی

۱. قاضی، همان، صص ۱۹۸-۱۹۷

۲. شیخ الاسلامی، ص ۵۲؛ فردیناند اف استون، نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا، ترجمه دکتر سید حسین صفایی، مجموعه حقوق تطبیقی، سال ۱۳۵۰، صص ۴۷-۶۹

Vishnoo Bhagwan & Vidya Bhushan, World Const itutions, Sterling Publishers Private Limited, New Delhi, pp. 64-63, 92

۳. قاضی، گفتارهایی ...، صص ۱۹۹-۱۹۸؛ قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۴

۴. قاضی، حقوق اساسی ...، ص ۵۷۷



است.^۱ علاوه بر آن، رییس جمهور می‌تواند هر گاه لازم تشخیص دهد، از طریق یکی از اعضای کنگره پیشنهادها و ابتکارات قانونی خود را تقدیم مجلس کند و تصویب آن را از کنگره مع الواسطه بخواهد.^۲

- رییس جمهور آمریکا با استفاده از حق وتوی تعلیقی نسبت به هر یک از مصوبات کنگره بر جریان تصویب و نوع تصمیمات کنگره اثر می‌گذارد. البته به هنگام بحث مجدد در باره همان مصوبه، در صورتی که اکثریت دو سوم هر یک از مجالس نمایندگان یا سنا همان مصوبه قبلی را مجدداً تصویب نمایند، قابل اجرا خواهد بود. رؤسای جمهور آمریکا به شکل مستمر از حق وتو استفاده کرده‌اند به گونه‌ای که تنها در طول جنگ‌های داخلی آمریکا بیش از ۵۱ بار از حق وتوی مصوبات کنگره استفاده کرده‌اند.^۳

- رییس جمهور با اختیارات گسترده خود روابط خارجی و بین‌المللی سیاسی و اقتصادی را تنظیم می‌کند. معاهدات و قراردادهای مذاکره و منعقد می‌سازد. نسبت به عملیات نظامی و لشکرکشی به کشورها تصمیم می‌گیرد^۴ و حق عفو و تخفیف مجازات را طبق قانون دارد.

- ریاست جمهوری در برابر پارلمان، از قدرت و موقعیت بیشتری برخوردار است، در حالی که مجالس مقننه به دلیل آن که از نمایندگان گوناگون و گرایش‌های مختلف سیاسی تشکیل

۱. فردیناند اف استون، ص ۶۹؛ قاضی، همان، ص ۵۷۷

۲. قاضی، همان، ص ۵۷۷

۳. شیخ الاسلامی، صص ۵۲ و ۵۳؛ فردیناند اف استون، صص ۶۷-۶۹

۴. لشکرکشی به سن دومنک در سال ۱۹۶۵ و حصر اقتصادی کوبا در سال ۱۹۶۲، بمباران خشونت بار ویتنام شمالی، حمله به لیبی، عراق و افغانستان؛ از جمله تصمیمات رؤسای جمهور آمریکا بوده است. قاضی، حقوق اساسی ...، صص ۵۷۷-۵۷۸



گردیده‌اند، در اثر حاکمیت قطعه قطعه و تقسیم شده، خود نمی‌توانند اراده‌ای برابر با ارادهٔ یگانه رییس جمهور ابراز کنند.

- رییس جمهور به دلیل داشتن سهم بیشتر از مجالس مقننه، حاکمیت ملی را در انحصار خود دارد و یک عدم تعادلی را به سود قوهٔ مجریه و به زیان قوهٔ مقننه به وجود می‌آورد.^۱
- نظر به این که معاون رییس جمهور، ریاست مجلس سنا را بر عهده دارد، او می‌تواند مجلس مزبور را تحت تأثیر سیاست‌ها و تصمیمات رییس جمهور قرار دهد.

- دیوان عالی فدرال آمریکا متشکل از ۹ نفر؛ شامل یک رییس که ریاست قوهٔ قضاییهٔ این کشور را دارد و هشت قاضی توسط رییس جمهور منصوب می‌گردند. مجلس سنا نیز در برخی از امور اجرایی مداخله می‌کند؛ به عنوان مثال لزوم تأیید مجلس سنا در مورد انتصابات کارکنان عالی رتبهٔ فدرال؛ یعنی وزیران، سفرا و مأموران دیپلماتیک، اعضای دیوان عالی فدرال^۲ بر خلاف اصل استقلال کامل قوا است.

بر این اساس، رییس جمهور به دلیل قدرتی که پیدا می‌کند، ممکن است تغییر ماهیت داده و به ریاست‌گرایی^۳ تبدیل گردد؛ یعنی رییس جمهور به تدریج بر مجالس مقننه تسلط یافته و رژیم سیاسی را به سوی یک رژیم شبه دیکتاتوری بکشاند، همانگونه که در دورهٔ حکومت جورج بوش دوم مشاهده می‌گردد.^۴ البته شاید دلیل این که نظام ریاستی در آمریکا به نظامی دیکتاتوری علی‌الاطلاق مبدل نمی‌گردد، آن باشد که نظام فدرالی حاکم، خود مانع و مهاری برای تمرکز قدرت رییس جمهور می‌باشد.

۱. عدم تعادل فاحش به سود قوهٔ مجریه و به زیان قوهٔ مقننه را می‌توان، در دورهٔ زمامداری روزولت رییس جمهور وقت آمریکا مشاهده کرد. در این خصوص ر.ک. به: پنتو (pento) تحول قانون اساسی ایالات متحدهٔ آمریکا، مجله تاریخ قانون اساسی، ۱۹۳۷، ص ۵۳۱

۲. دیوان عالی فدرال در سال ۱۸۰۳ میلادی در اصلاح قانون اساسی آمریکا پیش‌بینی شد و وظیفهٔ وی نظارت بر قوانین عادی، ایجاد عدالت و رسیدگی به تخلفات و جرایم و سایر وظایف محوله می‌باشد. شیخ الاسلامی، صص ۲۹، ۵۵ و ۵۶

3. Persidentialism .

۴. تجربه ثابت کرده است که نظام ریاستی در کشورهای دنیای سوم، مانند تعداد زیادی از کشورهای آمریکای لاتین و کشورهایی مانند سوریه، مصر، سودان، پاکستان، حکومت پیشین عراق، نیجریه و غنا، که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از نظام حقوق اساسی آمریکا استنساخ کرده‌اند، غالباً به سمت و سوی نیمه دیکتاتوری و یا دیکتاتوری پیش رفته است.

□ شرایط نامزدی ریاست جمهوری در آمریکا

طبق ماده ۲ قانون اساسی آمریکا، رئیس جمهور این کشور باید اولاً، شهروند آمریکا بوده و حداقل به مدت ۱۴ سال مقیم آن باشد؛ ثانیاً، حداقل ۳۵ سال داشته باشد و ثالثاً، در خاک آمریکا متولد شده باشد.^۱ شرط سوم در سال‌های اخیر مورد نقد حقوقدانان و سیاستمداران قرار گرفته، به گونه‌ای که تقاضای اصلاح این بند از قانون اساسی آمریکا را داشتند؛ زیرا این شرط کاندیداتوری سهم مهاجران و متخصصانی را که تابعیت آمریکا را به طور مشروع کسب‌کنند نادیده گرفته است.^۲ البته موافقان معتقدند این بند آمریکا را از مداخله بیگانگان از طریق سیستم مهاجرت آمریکا در امور آمریکا مصون می‌دارد.^۳

اگر چه شرط جنسیتی، نژادی و یا اعتقاد مذهبی در کاندیداتوری ریاست جمهوری آمریکا وجود ندارد، اما تاکنون تمامی رؤسای جمهوری آمریکا مرد، سفید پوست، مسیحی و اکثراً پروتستان بودند. اکثر رؤسای جمهور آمریکا ریشه بریتانیایی داشتند، به جز مارتین ون بورن (Martin Van Buren) که دارای اصل هلندی، و هربرت هوور (Herbert Hoover) و دوایت آیزنهاور (Dwight Eisenhower) که با ریشه آلمانی و جان اف کندی (Kennedy 1 John F.) تنها مسیحی کاتولیک، و بلیام مک کین لی (William McKinley 2) ریچارد نیکسون (Richard Nixon 3) رونالد ریگان (Ronald Reagan) و بیل کلینتون (Bill Clinton) ایرلندی الأصل بودند.^۴

□ دوره ریاست جمهوری در آمریکا

پیش از بیست و دومین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا، که در دوره جرج واشینگتن در سال ۱۹۵۱ میلادی اتفاق افتاد، اگر چه دوره ریاست جمهوری و معاون وی چهار ساله بود،

1. Vishnoo Bhagwan, ibid, p.35

۲. به عنوان نمونه وزرای خارجه آمریکا؛ هنری کیسینجر (Henry Kissinger) و مادلین آلبرایت (Madeleine Albright) و فرمانداران آمریکا مثل آرنولد شوارتزنگر (Arnold Schwarzenegger) فرماندار کالیفرنیا، جنیفر گرانهولم (Jennifer Granholm) فرماندار میشیگان، که خدمات زیادی به کشور آمریکا کرده‌اند، حق نامزد ریاست جمهوری شدن در آمریکا را ندارند. البته در انتخابات سال ۱۹۶۸ میلادی، جرج دبلیو رومنی (George W. Romney) فرماندار میشیگان، نامزد ریاست جمهوری شد در حالی که وی در کشور مکزیک از پدر و مادر آمریکایی به دنیا آمده بود و متولد در خاک آمریکا نبود، البته در آن انتخابات وی نتوانست رأی کسب کند.

3. Wikipedia,..... ibid.

4. Wikipedia, ibid.



ولی یک فرد می‌توانست بیش از دو دوره متوالی به ریاست جمهوری انتخاب شود، چنانکه فرانکلین دی روزولت (Franklin D. Roosevelt) سه دوره کامل چهار ساله را به عنوان رئیس جمهور آمریکا خدمت کرد و در اواسط دوره چهارم ریاست جمهوری درگذشت، به عبارت دیگر، وی مجموعاً ۱۲ سال رئیس جمهور آمریکا بود.^۱

از سال ۱۹۵۱ میلادی، پس از این اصلاح، دوره ریاست جمهوری محدود به دو دوره چهار ساله شد که از آن زمان تاکنون رؤسای جمهور دوآیت آیزنهاور (Dwight Eisenhower) رونالد ریگان، بیل کلینتون و جرج دبلیو بوش (چنانچه بتواند دوره دوم چهارساله را تا سال ۲۰۰۹ حفظ کند) توانستند دو دوره کامل چهار ساله را سپری کنند.^۲ ریچارد نیکسون برای دوره دوم چهارساله انتخاب شده بود ولی قبل از تکمیل آن مجبور به استعفا شد.^۳

□ حاکمیت احزاب دموکرات و جمهوری خواه در آمریکا

هنگامی که مؤسسان جمهوری آمریکا، اساسنامه آمریکا را در سال ۱۷۸۷ می‌نوشتند،^۴ نقش احزاب سیاسی را در ساختار حکومت پیش بینی نکرده بودند. آن‌ها در حقیقت تلاش داشتند از طریق پیش بینی ترتیبات معینی در قانون اساسی، مانند تفکیک قوا، تعادل قوا، نظام فدرالی و انتخاب غیرمستقیم رئیس جمهور به وسیله کالج الکترال عملاً ساختار تشکیلاتی آمریکا را از احزاب سیاسی و تشکیلات انحصاری آن جدا سازند، به طوری که شخصیت‌هایی همچون جرج واشینگتن و دیگران، احزاب سیاسی را شیطان معرفی می‌کردند. لذا در آن زمان انتخاب کنندگان ریاست جمهوری^۵ و همچنین سناتورها به طور مستقیم و بدون آن که انتخاباتی برگزار شود توسط نمایندگان مجلس از هر ایالت انتخاب می‌شدند. بنابراین، حتی سناتورها تا سال ۱۹۱۳ با آرای عمومی انتخاب نمی‌شدند.

۱. فردیناند اف استون، نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا، ترجمه دکتر سید حسین صفایی، مجموعه حقوق تطبیقی، سال ۱۳۵۰. اصولاً در نظام‌های مجریه ریاستی، دوره ریاست جمهوری، از یک یا دو سال شروع شده و عملاً ممکن است تا ده سال و بیشتر و حتی به صورت مادام‌العمر (مثل تیتو در یوگسلاوی، مانو در چین) متصور گردد، اما غالباً این دوره از چهار سال تا ۷ سال می‌باشد.

۲. انتخابات بعدی ریاست جمهوری آمریکا ۴ نوامبر سال ۱۹۹۸ میلادی می‌باشد.

3. Wikipedia, ibid.

۴. برای ترجمه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا مراجعه شود به شیخ الاسلامی، صص ۲۱۲-۱۸۷.

5. presidential electors .

از دهه ۱۸۶۰ تاکنون
دو حزب جمهوری خواه
و دموکرات
بر تمامی
جنبه‌های ساختاری
و فرایندی
نظام سیاسی
و همچنین
سازمان‌های دولتی
مسلط بوده،
و نهادهای
ریاست جمهوری،
کنگره،
فرمانداران ایالتی
و قانون‌گذاران
ایالتی را
در اختیار خود
دارند.



پرتوین مقام حکومتی و چگونگی...

۱۶۷

اما برخلاف تمایل مؤسسان قانون اساسی آمریکا، آمریکا در سال ۱۸۰۰ میلادی اولین کشوری شد که در سطح ملی آن، احزاب سیاسی شکل پیدا کرد؛ به طوری که دو حزب بزرگ آمریکا یعنی جمهوری خواه و دموکرات از دهه ۱۸۳۰ میلادی اقتدار سیاسی را به دست آورده و از آن زمان تاکنون اقتدار قوه مجریه از حزبی به حزب دیگر منتقل می‌شود،^۱ به طوری که از سال ۱۸۵۲ میلادی، تمامی رؤسای جمهوری آمریکا یا منتخب حزب جمهوری خواه یا دموکرات بودند.^۲

از دهه ۱۸۶۰ تاکنون دو حزب جمهوری خواه و دموکرات نه تنها سیاست‌های انتخاباتی آمریکا را انحصاری و کنترل کرده‌اند، بلکه بر تمامی جنبه‌های ساختاری و فرایندی نظام سیاسی و همچنین سازمان‌های دولتی مسلط بوده، و نهادهای ریاست جمهوری،^۳ کنگره،^۴ فرمانداران ایالتی^۵ و قانون‌گذاران ایالتی^۶ را در اختیار خود دارند. آن‌ها به گونه‌ای مقررات انتخابات را تنظیم می‌کنند که بتوانند مصالح دو حزب بزرگ آمریکا را تضمین^۷ کنند.

با رشد دو حزب سیاسی آمریکا؛ یعنی حزب جمهوری خواه و حزب دموکرات و بالمآل در اختیار گرفتن تمامی سرنوشت

1. John F. Bibby, Political Parties in the United States, usa.usembassy.de/etexts/gov/partiesej2000.htm .

۲. در خصوص نقش احزاب در انتخابات، به ویژه نظام‌های دو حزبی، ر.ک. به: قاضی، بایسته‌های...، صص ۳۳۸-۳۳۲

3. Presidency .

4. Congress .

5. governorships .

6. state legislatures .

۷. برای نمونه، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ میلادی، برای آن که حزب ثالث حق معرفی نامزد ریاست جمهوری را داشته باشد، لازم بود در ایالت کارولینای شمالی حداقل ۵۸۸۴۲ رأی را به خود تخصیص دهد.

John ibid

مردم آمریکا و تحت سیطره قرارداد سیاست‌های داخلی و خارجی آمریکا سردمداران هر یک از این احزاب در زمان نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری تشکیل جلسه داده و به معاملات پشت پرده حزبی، عملاً افراد مورد نظر برای پست ریاست جمهوری و نیابت آن را تعیین می‌کنند. آن‌ها نامزدهای حزبی خود را در هر ایالت برای عضویت در هیأت‌های انتخاب‌کننده بسیج می‌کنند و نام آن‌ها را در فهرست از پیش تعیین شده منتشر می‌سازند که در صدر این صورت نام نامزدهای حزب برای رییس جمهوری و نیابت ریاست جمهوری درج می‌شود.^۱

بعد از این مرحله، دو حزب مذکور هر یک با فشارهای تبلیغاتی از مردم می‌خواهند که به نامزدهای آن‌ها برای کالج الکترال (هیأت‌های انتخاب‌کننده) رأی بدهند. مردمی که ناآگاهانه و ناخواسته در چاقوب‌های از قبل تعریف شده این دو حزب قرار گرفته‌اند، چاره‌ای ندارند جز آن که به فهرست یکی از این دو حزب رأی بدهند. این دو حزب که سالیان متمادی بر سر نوشت مردم آمریکا مسلط هستند، چگونگی انتخابات دو مرحله‌ای را به گونه‌ای هماهنگ و اداره می‌کنند که در عمل یک حالت انحصار رقابتی ایجاد می‌کنند. این دو حزب بزرگ آمریکا حکومت را ساماندهی کرده و بر ارکان حکومت خواه در سطح ملی، ایالتی و بین‌المللی تسلط داشته و سیاست‌های داخلی و خارجی ایالات متحده آمریکا را تنظیم می‌کنند.^۲ برای نمونه، از سال ۲۰۰۰ میلادی تا کنون، در تمامی انتخابات محلی و انتخابات مربوط به کنگره آمریکا، تنها یک سناتور مستقل در میان ۱۰۰ عضو مجلس سنا انتخاب شده و منحصراً ۲ نماینده در میان ۴۳۵ نماینده، در مجلس نمایندگان، از نامزدهای مستقل خارج از دو حزب حاکم انتخاب شده‌اند. در سطح ایالتی، نیز تمامی ۵۰ فرمانداران ایالتی یا جمهوری خواه و یادموکرات بودند و تنها ۲۱ نفر از میان ۳۰۰۰ قانون‌گذار ایالتی، خارج از دو حزب مذکور انتخاب شدند.

همچنانکه گفته شد، در دهه‌های اخیر، نامزدهای ریاست جمهوری یا از حزب دموکرات و یا جمهوری خواه بودند، حتی اگر نامزد ریاست جمهوری، خود رییس جمهور گذشته و یا معاون رییس جمهور نباشد، نامزدهای معرفی شده دو حزب بزرگ، از فرمانداران ایالتی و یا سناتورهای آمریکا خواهند بود.^۳ برای نمونه، دو حزب دموکرات و

۱. شیخ الاسلامی، صص ۵۱-۵۰؛ Vishnoo Bhagwan, ibid, p.

۲. John.....ibid .

۳. Wikipedia,ibid.

۴. از میان پنج رییس جمهور قبلی آمریکا، George W. Bush, Bill Clinton, George H.W. Bush, Reagan, Carter فقط George H.W. فرماندار ایالتی نبوده است.

جمهوری خواه، ریاست جمهوری های ادوار زیر را به خود اختصاص داده اند:^۱

سال میلادی	از حزب دمکرات ^۲	سال میلادی	از حزب جمهوری خواه ^۳
۱۸۲۸	اندریو جکسون (Andrew Jackson)	۱۸۶۰	ابراهام لینکن (Abraham Lincoln)
۱۸۳۲	اندریو جکسون	۱۸۶۴	ابراهام لینکن
۱۸۳۶	مارتین ون بورن (Martin Van Buren)	۱۸۶۸	اولیسس گرانت (Ulysses Grant)
۱۸۴۴	جیمز پولک (James Polk)	۱۸۷۲	اولیسس گرانت
۱۸۵۲	فرانکلین پیرس (Franklin Pierce)	۱۸۷۶	روثرفورد هیز (Rutherford Hayes)
۱۸۵۶	جیمز بوچانن (James Buchanan)	۱۸۸۰	جیمز گارفیلد (James Garfield)
۱۸۸۴	گروور کلوند (Grover Cleveland)	۱۸۸۸	بنجامین هریسون (Benjamin Harrison)
۱۸۹۲	گروور کلوند	۱۸۹۶	ویلیام مک کینلی (William McKinley)
۱۹۱۲	وودرو ویلسون (Woodrow Wilson)	۱۹۰۰	ویلیام مک کینلی
۱۹۱۶	وودرو ویلسون	۱۹۰۴	تئودور روزولت (Theodore Roosevelt)
۱۹۳۲	فرانکلین روزولت (Franklin Roosevelt)	۱۹۰۸	ویلیام هوارد تفت (William Howard Taft)
۱۹۳۶	فرانکلین روزولت	۱۹۲۰	وارن هاردینگ (Warren Harding)
۱۹۴۰	فرانکلین روزولت	۱۹۲۴	کالوین کولیدج (Calvin Coolidge)



پرتربین مقام حکومتی و چگونگی...

▽
۱۶۹

1. ibid.
2. Democrat.
3. Republican .

سال میلادی	از حزب دمکرات	سال میلادی	از حزب جمهوری خواه
۱۹۴۴	فرانکلین روزولت	۱۹۲۸	هربرت هوور (Herbert Hoover)
۱۹۴۸	هری ترومن (Harry Truman)	۱۹۵۲	دوایت آیزن هاور (Dwight Eisenhower)
۱۹۶۰	جان کندی (John Kennedy)	۱۹۵۶	دوایت آیزن هاور
۱۹۶۴	لیندون جانسون (Lyndon Johnson)	۱۹۶۸	ریچارد نیکسون (Richard Nixon)
۱۹۷۶	جیمی کارتر (Jimmy Carter)	۱۹۷۲	ریچارد نیکسون
۱۹۹۶	بیل کلینتون (Bill Clinton)	۱۹۸۰	رونالد ریگان (Ronald Reagan)
۱۹۹۲	بیل کلینتون	۱۹۸۴	رونالد ریگان
		۱۹۸۸	جورج اچ دبلیو بوش (George H.W. Bush)
		۲۰۰۰	جورج دبلیو بوش (George W. Bush)
		۲۰۰۴	جورج دبلیو بوش

احزاب بزرگ سیاسی در آمریکا دارای باور یا اهداف سیاسی معین و قطعیت یافته و مدوئی نیستند. آن‌ها ترجیح می‌دهند به اندازه‌ای انعطاف پذیر باشند تا تحت ظروف و شرایط مختلف و با استفاده از شعارهای به ظاهر زیبای خود، بتوانند آرای مردم را به دست آورده و جناح‌های مختلف جامعه را به سوی خود سوق دهند.^۱

اگر چه انتخابات اخیر در آمریکا حکایت از تمایلات جدید آمریکایی‌ها به روش‌کاندیدا محوری^۲ به جای تحزب محوری^۳ دارد، اما مشکل بیش از این هاست؛ زیرا حتی اگر احزاب ثالث و مستقل بتوانند از ناخشنودی مردم از دو حزب دموکرات و جمهوری خواه استفاده

1. usa.usembassy.de/etexts/gov/partiesej2000.htm .

2. Candidate Centered .

3. Party Centered .

در میان کشورهای
دموکراتیک جهان،
آمریکا
تنها کشوری است
که جهت معرفی
نامزدهای
انتخابات نمایندگان
کنگره،
انتخابات ایالتی
و انتخابات
ریاست جمهوری
به انتخابات
مقدماتی
مراجعه می‌کند.



برترین مقام حکومتی و چگونگی...

۱۷۱

کنند و کاندیداهای خود را به قوای مجریه و مقننه برسانند، آن‌ها نمی‌توانند نیروهای حاکم دو حزب را که بر تمام مراکز تقنینی، اجرایی و قضایی تسلط دارند از مناصب خود عزل نموده و حکومت را با نیروهای تازه نفس خود اداره کنند، مخصوصاً اگر دو حزب بزرگ میل به مشارکت و همکاری با حزب ثالث نداشته باشند و یا در مسیر اداره کشور سنگ اندازی کنند.^۱

علی‌رغم مشارکت دو حزب بزرگ سیاسی در آمریکا، که حاکمیت این کشور را بیش از ۱۵۰ سال در اختیار خود گرفته‌اند، سطح رضایت مندی عمومی مردم آمریکا نسبت به چگونگی انتخابات، بخصوص انتخابات غیرمستقیم ریاست جمهوری در حد بسیار زیادی کاهش یافته است؛ به طوری که امروزه آمریکایی‌ها نسبت به رهبران احزاب بزرگ سیاسی اعتمادی ندارند. آن‌ها معتقدند که احزاب به جای حل مشکلات عدیده‌ای که جامعه آمریکا با آن مواجه است، تلاش می‌کنند مسائل را پیچیده کنند تا مردم عادی از درک آن عاجز باشند. امروزه مردم آرزو می‌کنند که کاش میان آن‌ها و منتخبین نهایی، هیچ حزبی قرار نگیرد.^۲

به دلیل حاکمیت علی‌الاطلاق دو حزب بزرگ سیاسی در ایالات متحده آمریکا و عدم توجه به نقش مردم در تعیین و اعمال حاکمیت،^۳ در جدول زیر که بیانگر درصد شرکت مردم در انتخابات در سال‌های ۱۹۶۰ میلادی تا ۲۰۰۴ می‌باشد^۴ مشاهده می‌گردد که حضور و مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پایین بوده و در سال‌های اخیر نیز کاهش پیدا کرده است:

1. usa.usembassy.de/etexts/gov/partiesej2000.htm

2. *ibid.*

3. Wikipedia, *ibid.*

4. Federal Election Commission, Office of the Clerk, U.S. Census Bureau, Wikipedia,..... *ibid.*

سال میلادی برگزاری انتخابات	تعداد نیتصلاح برای رأی دادن	حضور مردم بر صندوق‌های رأی	درصد مشارکت مردم در انتخابات
۱۹۶۰	۱۰۹,۱۵۹,۰۰۰	۶۸,۸۳۸,۲۰۴	۶۳/۰۶٪
۱۹۶۴	۱۱۴,۰۹۰,۰۰۰	۷۰,۶۴۴,۵۹۲	۶۱/۹۲٪
۱۹۶۸	۱۲۰,۳۲۸,۱۸۶	۷۳,۲۱۱,۸۷۵	۶۰/۸۴٪
۱۹۷۲	۱۴۰,۷۷۶,۰۰۰	۷۷,۷۱۸,۵۵۴	۵۵/۲۱٪
۱۹۷۶	۱۵۲,۳۰۹,۱۹۰	۸۱,۵۵۵,۷۸۹	۵۳/۵۵٪
۱۹۸۰	۱۶۴,۵۹۷,۰۰۰	۸۶,۵۱۵,۲۲۱	۵۲/۵۶٪
۱۹۸۴	۱۷۴,۴۶۶,۰۰۰	۹۲,۶۵۲,۶۸۰	۵۳/۱۱٪
۱۹۸۸	۱۸۲,۷۷۸,۰۰۰	۹۱,۵۹۴,۶۹۳	۵۰/۱۱٪
۱۹۹۲	۱۸۹,۸۲۹,۰۰۰	۱۰۴,۴۰۵,۱۵۵	۵۵/۰۹٪
۱۹۹۶	۱۹۶,۵۱۱,۰۰۰	۹۶,۴۵۶,۳۴۵	۴۹/۰۸٪
۲۰۰۰	۲۰۵,۸۱۵,۰۰۰	۱۰۵,۵۸۶,۲۷۴	۵۱/۳۰٪
۲۰۰۴	۲۱۵,۶۹۴,۰۰۰	۱۲۲,۲۹۵,۳۴۵	۵۶/۷۰٪

□ نظام انتخاباتی غیرمستقیم در آمریکا

اصولاً انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش حاکمان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت تدبیر شده است و ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد. نخستین سنگ بنای انتخابات به معنی امروزی در بریتانیا گذارده شد.^۱

در میان کشورهای دموکراتیک جهان، آمریکا تنها کشوری است که جهت معرفی نامزدهای^۲ انتخابات نمایندگان کنگره، انتخابات ایالتی و انتخابات ریاست جمهوری به انتخابات مقدماتی مراجعه می‌کند. بر اساس این نوع نظام انتخاباتی، رأی‌دهندگان در یک انتخابات مقدماتی، کاندیدای حزبی خود را به منظور برگزاری انتخابات اصلی و نهایی تعیین می‌کنند.^۴

در آمریکا، غیر از رییس جمهور و معاون وی، که در سطح مالی توسط اعضای که به طور مستقیم از هر ایالت از طریق کالج الکترال برای چهار سال انتخاب می‌شوند، بقیه مقامات اجرایی و قضات انتصابی می‌باشند. اما نمایندگان کنگره (Congressmen) در سطح ایالتی

۱. قاضی، بایسته‌های...، ص ۲۹۷

2. Nomination .

3. Primary Elections .

4. Vishnoo Bhagwan.... p.31-32

کالج الکتروال
که بر اساس
بند یک ماده ۲
قانون اساسی
آمریکا
تأسیس شد،
نامی است که
به گروهی از
«انتخاب‌کنندگان»
داده می‌شود
که توسط
فعالان حزبی
و اعضای ایالتی
احزاب معرفی
و نامزد
می‌شوند.



پرتربین مقام حکومتی و چگونگی...

▽
۱۷۳

(state level) و نه در سطح ملی انتخاب می‌شوند.^۱

در حالی که در اکثر کشورها مردم یا هواداران احزاب در انتخاب نامزدهای دلخواه خود، نقش مستقیم دارند. آن‌ها در نظام انتخاباتی غیرمستقیم آمریکا چنین نقشی را ندارند؛ زیرا تنها در مرحله اولیه، به تعدادی از نامزدهای حزبی رأی می‌دهند و متعاقباً منتخبین حزبی نمایندگان کنگره، فرمانداران ایالتی و یا رییس جمهور کشور را، که کاندیداهای دلخواه احزاب دموکرات و جمهوری خواه می‌باشند، انتخاب می‌کنند.

اگر چه فرایند انتخابات به صورت رأی گیری غیرمستقیم، حتی به صورت درجه سوم^۲ آن بر اساس ساختار ملی در برخی دیگر از نظام‌های دموکراسی سابقه داشته،^۳ و فلسفه چنین انتخاباتی بدین منظور بوده است تا روش‌های کنترلی^۴ معینی نسبت به فرد منتخب، که نماینده افکار عمومی باشد را اعمال کند، ضمن آن که این سطح بندی احزاب حاکم را قادر می‌کند که بتوانند کنترل‌ها و یا نظارت‌های لازم را بر نمایندگان منتخب اعمال کنند،^۵ اما امروزه در بیشتر کشورها این فرایند جای خود را به معرفی نامزدها توسط احزاب داده است، همچنانکه این روش در

1. Wikipedia.... ibid.

2. Third-Degree Indirect Vote .

۳. به عنوان مثال، قانون انتخابات اول ژانویه ۱۸۱۰ برای انتخابات پارلمان اسپانیا (Las Cortes) که اولین قوانین اساسی آزاد در جهان را (قانون اساسی کادیز مصوب ۱۹ مارس ۱۸۱۲) پی‌ریزی کرد، شکل رأی گیری را به صورت غیرمستقیم درجه سوم طرح ریخت، بدین صورت که مردم آرای خویش را به صندوق‌ها می‌ریختند و متعاقباً نمایندگان منتخب نیز به انتخابات نمایندگان در سطح منطقه و استان می‌پرداختند و آنگاه نمایندگان منتخب منطقه‌ای تعیین می‌کردند که چه کسانی نمایندگان مردم در پارلمان کشور باشند. ر.ک.به:

<http://www.aceproject.org/main/english/es/es10.html> .

4. Filtering.

5. <http://www.aceproject.org/main/english/es/es10.html> .

ایالات متحده آمریکا متداول است، البته با یک فرق و آن این که نمایندگان مزبور، نمایندگان افکار عمومی و ناشی از آرای مردم نمی باشند بلکه نمایندگانی هستند که توسط احزاب انتخاب می شوند.^۱

□ نظام کالج الکترا^۲

وقتی آمریکا تأسیس شد، ابتدا ۱۳ کشور از هم پراکنده به صورت ایالتی با هم متحد شدند تا ایالات متحده آمریکا را شکل دهند. بنابراین، در بحث حقوق سیاسی و انتخابات، ملاک رأی گیری بر جمعیت ساکنان ایالات متحده آمریکا قرار نگرفت، بلکه معیار رأی گیری بر اساس ایالت محوری شد. به عنوان مثال، مشاهده می گردد که قدرت رأی دادن ایالت کوچکی مثل رود آیلند^۳ بیش از ایالت بزرگ و پرجمعیت کالیفرنیا است و یا آن که شهروندان یوتا^۴ با آن که دارای جمعیت کمی هستند، بیش تر از شهروندان ایالت پرجمعیت نیوجرسی قدرت در مجلس نمایندگان آمریکا دارند.

شیوه انتخاب ریاست جمهوری در آمریکا به گونه ای طراحی شده است که مردم هر ایالت به چند نفر به عنوان انتخاب کننده رییس جمهور رأی می دهند و بعد هیأت های انتخاب کننده ایالات، که افراد آنها علی الاصول تجارب سیاسی بیشتری و وزن و وقار اجتماعی سنگین تری دارند، یک نفر را به عنوان رییس جمهور با اکثریت آرا برمی گزینند. هیأت های انتخاب کننده را در حقوق اساسی آمریکا الکترا کالج می نامند.^۵

کالج الکترا که بر اساس بند یک ماده ۲ قانون اساسی آمریکا تأسیس شد، نامی است که به گروهی از «انتخاب کنندگان»^۶ داده می شود که توسط فعالان حزبی و اعضای ایالتی احزاب معرفی و نامزد می شوند.^۷

فرایند انتخابات بر اساس کالج الکترا به این قرار است که در روز انتخابات عمومی که در ماه نوامبر سال انتخابات برگزار می شود، مردم نامزد حزبی خود را انتخاب می کنند که معمولاً نامزد

1. ibid.
2. Electoral College .
3. Rhode Island .
4. Utah .
5. Vishnoo Bhagwan ibid, pp.30-31
6. Electors.

۷. شیخ الاسلامی، صص ۵۰-۵۱



معرفی شده دو حزب دموکرات و جمهوری خواهی باشند. بنابراین، رقابت مبارزاتی انتخابات ریاست جمهوری، با انتخابات اولیه آغاز می شود، که در آن، دو حزب بزرگ سیاسی آمریکا از طریق معرفی نمایندگان، از مردم رأی می گیرند. و به دنبال آن نامزدی که بیشترین رأی را به دست آورد، نامزد حزب برای ریاست جمهوری می گردد. نامزد مزبور معاون خود را معرفی می کند.^۲

بر اساس نظام کالج الکترال، آمریکایی ها به طور مستقیم به نامزد ریاست جمهوری رأی نمی دهند. مردم آمریکا در هر ایالتی به «لیست انتخاب کنندگان»^۳ رأی می دهند، که آن ها با مردم میثاق بسته اند به یکی از نامزدهای ریاست جمهوری وابسته به حزب معین رأی دهند. لذا بر روی اوراق آرای ریاست جمهوری نوشته شده است: «برای انتخاب کنندگان یک کاندیدا»^۴ که بدین معنی است رأی دهنده واقعا به نامزد رییس جمهوری رأی نمی دهد، بلکه اعضای را برای کالج الکترال انتخاب می کند و اعضای مزبور رییس جمهور را انتخاب می کنند.^۵ اوراق آرای ریاست جمهوری، هر نامزدی را که نام خود را برای ریاست جمهوری نوشته است لیست نمی کند، بلکه تنها آن کسانی را که بیشترین آرا را در معرفی حزبی خود به دست آورند یا آن هایی که احزاب به صورت فهرست آورده اند، معرفی می کند.^۶

تعداد انتخاب کنندگان یک ایالت مساوی با تعداد سناتورها و نمایندگان مجلس از همان ایالت هستند. نامزدهایی که بیشترین آرا در داخل ایالت را به خود اختصاص می دهند، معمولاً تمامی



پرتوین مقام حکومتی و چگونگی...

1. Primary Elections; Vishnoo Bhagwan p.30
2. Wikipedia..... ibid; Vishnoo Bhagwan..... pp. 30-31
3. Slate of "Electors" .
4. "For the Electors of a Candidate" .
5. Wikipedia..... ibid; Vishnoo Bhagwan.... p.33..113
6. Wikipedia..... ibid.

آرای حوزه انتخابی آن ایالت را دریافت می‌کنند. جدول زیر بر اساس قدرت هر ایالت تعداد آرای موجود در کالج الکترال را نشان می‌دهد:^۱

ایالت و تعداد آراء	ایالت و تعداد آراء	ایالت و تعداد آراء	ایالت و تعداد آراء	ایالت و تعداد آراء
آلاباما = ۹ (Alabama)	آرکانزاس = ۶ (Arkansas)	آریزونا = ۱۰ (Arizona)	آلاسکا = ۳ (Alaska)	کالیفرنیا = ۵۵ (California)
کولورادو = ۹ (Colorado)	منطقه کلمبیا = ۳ (District of Columbia)	دلاویر = ۳ (Delaware)	کنکتیکت = ۷ (Connecticut)	فلوریدا = ۲۷ (Florida)
جورجیا = ۱۵ (Georgia)	ایلینویز = ۲۱ (Illinois)	آیداهو = ۴ (Idaho)	هاوایی = ۵ (Hawaii)	ایندیانا = ۱۱ (Indiana)
آیووا = ۷ (Iowa)	لوئیزیانا = ۹ (Louisiana)	کنتاکی = ۸ (Kentucky)	کانزاس = ۶ (Kansas)	ماساچوست = ۱۲ (Massachusetts)
مین = ۴ (Maine)	مینسوتا = ۱۰ (Minnesota)	میشیگان = ۱۷ (Michigan)	ماری‌لند = ۱۰ (Maryland)	میسسیسی پی = ۶ (Mississippi)
میسوری = ۱۱ (Missouri)	نوادا = ۵ (Nevada)	نبراسکا = ۵ (Nebraska)	مونتانا = ۳ (Montana)	نیوهامپشایر = ۴ (New Hampshire)
نیوجرسی = ۱۵ (New Jersey)	نورث کارولینا = ۱۵ (North Carolina)	نیویورک = ۳۱ (New York)	نیومکزیکو = ۵ (New Mexico)	نورث داکوتا = ۳ (North Dakota)
اوهایو = ۲۰ (Ohio)	پنسیلوانیا = ۲۱ (Pennsylvania)	اورگون = ۷ (Oregon)	اوکلاهما = ۷ (Oklahoma)	رود آیلند = ۴ (Rhode Island)
ساوت کارولینا = ۸ (South Carolina)	تگزاس = ۳۴ (Texas)	تنسی = ۱۱ (Tennessee)	ساوت داکوتا = ۳ (South Dakota)	یوتا = ۵ (Utah)
ورمونت = ۳ (Vermont)	وست ویرجینیا = ۵ (West Virginia)	واشینگتن = ۱۱ (Washington)	ویرجینیا = ۱۳ (Virginia)	ویسکونسن = ۱۰ (Wisconsin)

نظر به این که ۵۳۸ انتخاب کننده (electors) وجود دارد، برای آن که نامزد ریاست جمهوری بتواند رئیس جمهور منتخب مردم آمریکا تلقی گردد، بایستی قادر باشد حداقل ۲۷۰ رأی از حوزه‌های انتخاباتی (حداکثر مطلق ۵۰٪ به علاوه یک از مجموع ۵۳۸ آرا) را که از ۵۰ ایالات متحده آمریکا و منطقه کلمبیا^۲ به صندوق‌ها ریخته می‌شود، به خود اختصاص دهد.^۳

در ماه دسامبر سال انتخابات، انتخاب کنندگان مزبور در مراکز ایالتی ذیربط خود، جلسه تشکیل دادند تا آرای خود را برای تعیین رئیس جمهور و معاون وی، تحت نظارت سرپرست

1. <http://www.aceproject.org/main/english/es/es10.html> .

۲. منطقه کلمبیا هیچ نماینده‌ای در کنگره ندارند، بلکه تنها دارای سه رأی از حوزه انتخاباتی خود می‌باشند.

3. <http://www.aceproject.org/main/english/es/es10.html>; Vishnoo p.33

معاون رییس جمهور^۱ به صندوق‌های رأی بریزند. نتیجه آرای هیأت‌های انتخاب‌کننده از همه ایالات به مجلس سنا واصل می‌شود تا با حضور اعضای آن مجلس (سناتورها) و مجلس نمایندگان شمارش شود.^۲ و در ژانویه سال جدید در حضور مجالس کنگره و سنا بررسی و تأیید می‌گردد. سرانجام برنده اکثریت مطلق (نصف بعلاوه یک)، به مدت ۴ سال پس از ادای سوگند، ریاست جمهوری را از ۲۰ ژانویه میلادی به دست می‌گیرد.^۳

ترتیب انتخابات معاون رییس جمهور آمریکا، مانند رییس جمهور است، با این تفاوت که اگر هیچ یک از نامزدهای معاونت ریاست جمهوری نتواند اکثریت مطلق آرا را به دست آورد، در این صورت مجلس سنا از میان دو نفر برندگان حداکثر آرا یکی را به عنوان نایب ریاست جمهوری بر می‌گزیند.

□ تعیین رییس جمهور توسط مجلس نمایندگان

در صورتی که در انتخابات ریاست جمهوری، مبارزات انتخابات حزبی بسیار تنگاتنگ و نزدیک به هم باشد و هیچ یک از نامزدهای ریاست جمهوری نتواند حداقل ۲۷۰ رأی انتخاب‌کنندگان را به دست آورد، در این صورت مجلس نمایندگان^۴ رییس جمهور آینده را بر می‌گزینند.^۵ در اینجا، اعضای مجلس نمایندگان، که هر عضو ایالتی آن حق یک رأی خواهد داشت، رییس جمهور را از میان سه نفری که بالاترین آرا را در کالج الکترال به دست آورده‌اند، تعیین می‌کنند.^۶

در خصوص انتخاب معاون ریاست جمهوری نیز، چنانچه هیچ یک از نامزدهای معاون ریاست جمهوری آمریکان نتوانند اکثریت آرا را در کالج الکترال به دست آورده و مجلس سنا برنده را از میان دو نفری که بالاترین رأی را در کالج الکترال به دست آورده‌اند تعیین می‌کند.^۷



1. Sitting Vice President .

2. Vishnoo p.33

3. Ibid, p.30

4. House of Representatives .

۵. در نظام حقوق اساسی آمریکا، اگر هیچ نامزدی نتواند آرای کافی از کالج الکترال را برای برنده شدن به دست آورد، در نهایت مجلس نمایندگان رییس جمهوری و مجلس سنا، معاون رییس جمهور را تعیین می‌کند به آن سناریوی ۱۸۲۴ گفته می‌شود؛ زیرا این روش برای نخستین بار در سال ۱۸۲۴ میلادی تعیین شد.

<http://www.aceproject.org/main/english/es/es10.html> .

6. Vishnoo p.31

7. Wikipedia..... ibid.



در نظام
کالج الکترا
ممکن است
رایزنی‌ها
و معاملات سیاسی
گسترده‌ای
میان اصحاب
قدرت و ثروت
از یک طرف
و منتخبین مردم
از طرف دیگر
جهت معرفی
نامزدهای
دلخواه خود
و تعیین
رییس جمهور
انجام پذیرد.

□ انتقادات وارده بر نظام کالج الکترا

انتقادات زیادی برای نظام انتخاباتی کالج الکترا وجود دارد که مهمترین آن‌ها عبارت‌اند از:

* نویسندگان قانون اساسی آمریکا با طراحی انتخابات به روش کالج الکترا، که مردم بر اساس آن حق ندارند به طور مستقیم رییس جمهور خود را انتخاب کنند، اثبات کرده‌اند که اعتقادی به دموکراسی و حاکمیت مردم محوری ندارند. عدم طراحی نظام انتخاباتی عمومی برای تعیین رییس جمهور سبب شده است که متوسط مردم حتی نام کاندیداهای ریاست جمهوری را ندانند.

* روش خاص ثبت نام نامزدهای ریاست جمهوری در نظام کالج الکترا، مانعی ساختاری برای احزاب ثالث است.^۱ با این روش، نامزدهای احزاب ثالث یا مستقل (جز دو حزب بزرگ جمهوری خواه و دموکرات) اصولاً هیچ راهی برای در اختیار گرفتن آرای حوزه‌های انتخاباتی ایالتی ندارند، و در نتیجه هیچ شانس برای برنده شدن در انتخابات ریاست جمهوری نخواهند داشت.^۲

* در نظام کالج الکترا ممکن است رایزنی‌ها و معاملات سیاسی گسترده‌ای میان اصحاب قدرت و ثروت (بدون آن که نیاز به تأسیس تشکیلات حزبی مشخصی داشته باشند) از یک طرف و منتخبین مردم از طرف دیگر جهت معرفی نامزدهای دلخواه خود و تعیین رییس جمهور انجام پذیرد.^۳ در نظام انتخابات مجلس خبرگان نیز اگر چه تحقق چنین امری محتمل است، اما صفات ممتازی که برای نمایندگان مجلس خبرگان شرط است، عدم حاکمیت تحزب‌گرایی افراطی مشابه نظام سیاسی آمریکا

1. usa.usembassy.de/etexts/gov/partiesej2000.htm

2. *ibid.*

3. *ibid.*



و نفوذ انگیزه‌های دینی و مذهبی، عملاً از انحراف مسیر انتخابات جلوگیری می‌کند.

* قانون مبارزات انتخاباتی فدرال آمریکا^۱ مزایا و معافیت‌های خاصی را به دو حزب دموکرات و جمهوری خواه می‌بخشد؛ مانند استفاده از بودجه عمومی برای انتخابات ریاست جمهوری^۲ که این مزایا و معافیت‌ها به مراتب بیش از احزاب کوچک است.

* نامزدهای احزاب سیاسی آمریکا در دوره مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، از مناظرات تلویزیونی و مطبوعات ملی برای به دست آوردن آرای مردم استفاده می‌کنند که امکانات مزبور عمدتاً به نامزدهای دو حزب سیاسی بزرگ آمریکا تعلق دارد.^۳

* نظام انتخاباتی آمریکا با اصول: «همه آدم‌ها یکسان آفریده شده‌اند»^۴ و «یک نفر یک رأی»^۵ که از اصول اولیه دموکراسی است، سازگاری ندارد. در حالی که رأی مستقیم جهت انتخاب رئیس جمهور یا معاون وی، می‌توانست به هر آمریکایی حق یک رأی را عطا کند.

* ایالت‌ها مجموعه‌ای از انسانها هستند که در آنجا ساکن‌اند، پس چرا بایستی یک گروه کوچک و کم جمعیت در تصمیم‌گیری کشور آمریکا مؤثرتر از گروه‌های بزرگ و پرجمعیت باشد؟! آنچه که باید مهم باشد مردم‌اند نه احزاب، احزاب نباید جای مردم را در تصمیم‌گیری‌ها بگیرند.

* در قانون اساسی آمریکا، انتخاب کنندگان^۶ کالج الکترال متعهد نیستند به نامزدی رأی دهند که از مردم نسبت به وی قول گرفته‌اند. لذا امکان زیادی وجود دارد که انتخاب‌کننده بی‌وفا^۷ رأی را از مردم برای کاندیدای معینی اخذ کند، ولی در کالج الکترال



1. Federal Election Campaign Act.

2. public funding of presidential campaigns .

۳. Wikipedia..... ibid .
 بزرگترین نیروی نظامی را دارد. به نظر می‌رسد این گفته امروز در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا کاملاً صادق است؛ زیرا انتخاب کنندگان (electors) معمولاً به نامزدی رأی می‌دهند که بیشترین هزینه را در انتخابات ریاست جمهوری به کانال‌های تلویزیونی بپردازد و مصارف تبلیغات مطبوعاتی وی از دیگر رقیبان بیشتر باشد، که در این صورت قدرت وی، همانند یک نیروی نظامی مقتدر تعیین کننده است.
 wikipedia..... ibid

4. "All men are born equal".

5. "One man, one vote".

6. electors .

7. Faithless Elector.

تاکنون
۱۱ رییس جمهور
آمریکا
کمتر از
۵۰٪ آرای
الکترا را
به خود
اختصاص
داده‌اند.

به‌کاندیدای دیگر رأی دهد. البته اخیراً در ۲۷ ایالت آمریکا قوانین ایالتی وضع شده که اگر انتخاب‌کننده به نامزد منظور رأی ندهد ۱۰۰ دلار جریمه شود.

* پیچیدگی نظام انتخابات ریاست جمهوری از طریق کالج الکترا، استفاده از ابزارهای نوین و ابتکاری نحوه اخذ آرا، عدم امکان حضور فعال برای بازیگران سیاسی از طیف‌ها و جناح‌های متعدد، عدم توازن سیاسی و تبلیغاتی میان احزاب بزرگ و احزاب ثالث، برخورداری از امتیازات گسترده و بی حد و حصر احزاب بزرگ و عدم امکان تغییر نظام انتخاباتی موجود همگی از مشکلاتی است که کارآمدی نظام انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را با سؤال جدی مواجه ساخته است.

* این که تغییر نظام انتخاباتی کالج الکترا به راحتی ممکن نیست، به آن دلیل است که این نظام در متن قانون اساسی آمریکا پیش‌بینی شده و برای آن که در نظام انتخاباتی مزبور تغییری ایجاد شود، حداقل ۳۸ ایالات آمریکا بایستی نسبت به تغییر آن توافق کنند، و طبیعی است که ایالات کوچک و کم جمعیت حاضر نیستند از امتیازات و موقعیت‌های برتر خود دست بردارند حتی اگر چنین امتیازات و برتری را غیرمنصفانه بدانند.^۱

□ اصل مردم‌سالاری در انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا

در انتخابات ریاست جمهوری دیده می‌شود که احزاب بزرگ سیاسی با عنوان دموکراسی و لوای چند صدایی و با شعار آزادی بیان،^۲ به ایده پراکنی‌های زیاد و القای شبهات و بدبینی اقدام

۱. جیمی کارتر رییس جمهور وقت آمریکا در پیامی به کنگره، در تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۷۷ میلادی، خواستار حذف انتخابات غیرمستقیم به روش کالج الکترا و تعیین روش انتخابات مستقیم ریاست جمهوری شد که مورد قبول کنگره قرار نگرفت. Vishnoo p.03

2. Freedom of Speech .



می‌کنند و از طریق رسانه‌های گروهی، صدا و سیما و مطبوعات، که کنترل‌کننده دموکراسی هستند، خواسته‌ها و اهداف خود را به مردم دیکته می‌کنند و به آن‌ها القا می‌کنند که چگونه فکر کرده و چه تصمیمی بگیرند. در حقیقت آن‌ها نه تنها برای مردم آمریکا تصمیم‌سازی می‌کنند بلکه به جای مردم تصمیم هم می‌گیرند.

بزرگترین مشکل دموکراسی آن است که مردم چیزی را مطالبه می‌کنند که با منافع حاکمان سازگاری ندارد. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورهای دموکراتیک، مردم از دولت خود می‌خواهند که مالیات کم بگیرد. بودجه را متوازن سازد و... اما در عمل این توقع به راحتی اجرا نمی‌شود، یا آن که مردم می‌خواهند سیاستمداران رشوه‌نگیرند اما در عمل به خواسته خود نمی‌رسند. آن‌ها از طرف مردم قوانین و مقررات وضع می‌کنند و به گونه‌ای نیز آن‌ها را تفسیر و اجرا می‌کنند که خود می‌خواهند.^۱

بانگاهی به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ادوار گذشته، به این حقیقت تلخ می‌رسیم که دموکراسی ابزاری بوده است در دست احزاب، برای در اختیار گرفتن سرنوشت مردم. نمونه‌های زیر بیانگر ساده‌ترین شکل عدم رعایت اصل مردم‌سالاری و دموکراسی در انتخاب رییس جمهور آمریکا و معاون وی است:

* چهار رییس جمهور آمریکا بدون اکثریت آرا انتخاب شده‌اند که آخرین آن جرج دبلیو بوش بود. او در انتخابات سال ۲۰۰۰ در مقابل آل گور بود (که ۵۴۳۸۹۵ رأی از آرای الکتورال را به خود اختصاص داد).^۲

* تاکنون ۱۱ رییس جمهور آمریکا کمتر از ۵۰٪ آرای الکتورال را به خود اختصاص داده‌اند.^۳

* توماس جفرسون^۴ در سال ۱۸۰۰ میلادی و جان کواینسی آدامز^۵ در سال ۱۸۲۴ میلادی، دو رییس جمهور آمریکا بودند که هیچ اکثریتی از آرای الکتورال را به دست نیاوردند و فقط توسط مجلس نمایندگان^۶ انتخاب شدند.^۷



1. <http://www.galactic-guide.com/articles/2S3.html>.

ر.ک. به: دو توکویل، تحلیل دموکراسی در آمریکا، ترجمه رحمت الله مقدم مراغه‌ای، انتشارات زوار، ۱۳۴۸

2. <http://www.fec.gov/pubrec/2000presgeresults.htm>.

۳. کمترین آن ۳۹.۹٪ متعلق به آبراهام لینکلن (Abraham Lincoln) در سال ۱۸۶۰ میلادی و بیشترین آن متعلق به هنری ترومن (Harry S. Truman) با ۴۹.۷٪ در سال ۱۹۴۸ میلادی و جان اف کندی (John F. Kennedy - of the popular) با همین درصد رأی در سال ۱۹۶۰ میلادی.

4. Thomas Jefferson .

5. John Quincy Adams .

6. House of Representatives .

7. Wikipedia..... ibid .

* ۸ رییس جمهور آمریکا، منصب ریاست جمهوری را بدون آن که به سمت رییس جمهوری انتخاب شوند، به عهده گرفتند. بدین ترتیب که ابتدا به سمت معاون رییس جمهور انتخاب شدند و به دنبال آن، به مقام ریاست جمهوری ارتقا یافتند.^۱

- جرال د فورد^۲ تنها رییس جمهور آمریکاست که نه به سمت رییس جمهور و نه به سمت معاون رییس جمهور هرگز انتخاب نشد. وی پس از استعفای اسپرو اگنیو^۳ معاون ریچارد نیکسون^۴ رییس جمهور وقت، با تأیید کنگره به عنوان معاون رییس جمهور نیکسون منصوب شد، و پس از استعفای نیکسون بدون هیچ انتخاباتی ریاست جمهوری را به دست گرفت. فورد هیچگاه معاون رییس جمهور هم نبود. مشارالیه در انتخابات سال ۱۹۷۶ برای بار دوم نامزد ریاست جمهوری شد که توسط جیمی کارتر^۵ متقبل شکست شد و نتوانست به دوره دوم چهار ساله ریاست جمهوری برسد.^۶

* در آخرین انتخابات ریاست جمهوری که در ۲ نوامبر ۲۰۰۴ در آمریکا برگزار شد، از حزب جمهوری خواه جرج دبلیو بوش ۲۸۶ رأی (۵۰.۷۳٪ از مجموع آرا) از کالج الکترال را به دست آورد، در حالی که جان کری^۷ موفق شد ۲۵۱ رأی (۴۸.۲۷٪ از مجموع آرا) از کالج الکترال را به خود اختصاص دهد. و کاندیداهای احزاب مستقل حتی نتوانستند یک درصد

۱. جان تایلور (John Tyler) معاون ویلیام هنری هریسون (William Henry Harrison) بدون شرکت در انتخابات ۱۸۴۴ میلادی، میلارد فیلمور (Millard Fillmore) معاون زچاری تایلور (Zachary Taylor) بدون شرکت در انتخابات سال ۱۸۵۲ میلادی، اندریو جانسون (Andrew Johnson) معاون آبراهام لینکلن (Abraham Lincoln) بدون شرکت در انتخابات سال ۱۸۶۸ میلادی، چستر ای آرثور (Chester A. Arthur) معاون جیمز گارفیلد (James Garfield) بدون شرکت در انتخابات سال ۱۸۸۴ میلادی، تئودور روزولت (Theodore Roosevelt) معاون ویلیام مک کین لی (William McKinley) با شرکت در انتخابات سال ۱۹۰۴ میلادی، کالوین کولیدج (Calvin Coolidge) معاون وارن جی هاردینگ (Warren G. Harding) بر اساس انتخابات ۱۹۲۴ میلادی، هری اس ترومن (Harry S. Truman) معاون فرانکلین دی روزولت (Franklin D. Roosevelt) بر اساس انتخابات سال ۱۹۴۸ میلادی، و لیندون بی جانسون (Lyndon B. Johnson) معاون جان اف کندی (John F. Kennedy) بر اساس انتخابات ۱۹۶۴ میلادی. ibid . Wikipedia,

2. Gerald Ford .

3. Spiro Agnew .

4. Richard Nixon .

5. Jimmy Carter .

6. Wikipedia.....ibid .

7. John Kerry .

منصب رهبری
در نظام
جمهوری اسلامی،
به خلاف
منصب ریاست
جمهوری،
یک منصب
سیاسی صرف
نیست
بلکه علاوه
بر آن،
دارای صبغه
مذهبی و اعتقادی
است.



برترین مقام حکومتی و چگونگی...

183

آرای کالج الکترا ل را به دست آورند.^۱

به نظر می‌رسد نظام انتخاباتی آمریکا، با چگونگی برگزاری انتخابات و تأثیر پذیری از احزاب سیاسی بزرگ، نتواند اطمینان حاصل نماید که مجلس یا ریاست جمهوری نماینده افکار عمومی هستند، و لذا نتوانسته است تاکنون انگیزه مشارکت عمومی و اشتراک مساعی و ائتلاف بین احزاب را تقویت کند. در نتیجه حاکمیت و حکومت خود را در بالاترین سطح ممکن پاسخگویی^۲ مسؤول قرار نمی‌دهند.

برگزاری دو انتخابات ریاست جمهوری اخیر در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ میلادی که در هر دو دوره منجر به انتخاب جرج دبلیو بوش به عنوان رییس جمهوری آمریکا شده است، انتقادات بسیاری را توسط مدافعان حقوق مردم و دموکراسی به عهده داشته است.

نتیجه

اگر چه همچنانکه در مقدمه این مقاله آمد، مقایسه و تطبیق دو نهاد رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران و ریاست جمهوری در آمریکا مع الفارق تلقی می‌گردد، ولی فرایندهای اعمال شده در هر دو نظام جهت انتخاب بالاترین مقام حکومتی قابل بررسی است، لذا اهم نتایج حاصله از این نوشتار، به قرار زیر می‌باشد:

* منصب رهبری در نظام جمهوری اسلامی، به خلاف منصب ریاست جمهوری، یک منصب سیاسی صرف نیست بلکه علاوه بر آن، دارای صبغه مذهبی و اعتقادی است و لذا در این نوع انتخاب، زمان و دوره رهبری علی القاعده نباید عنصر تعیین کننده باشد بلکه استمرار بقای صفات محرز در ولی فقیه عامل تعیین کننده است؛ یعنی تازمانی که صفات موصوف در قانون اساسی و

1. Wikipedia..... ibid.

2. Accountability .

شرع مقدس اسلام وجود دارد صلاحیت ولی فقیه برای امامت بر امت مسلمان وجود داشته و نباید موجباتی برای کوتاه کردن دور رهبری وجود داشته باشد. به خلاف منصب ریاست جمهوری که در آن عناصر قدرت، سیاست و اداره اجرایی کشور معیار سنجش طول دوره ریاست جمهوری است و طبیعتی است برای آن که صاحب این منصب؛ یعنی رئیس جمهور، به استبداد و خودکامگی در تصمیمات روزمره مبتلا نشود و نظام دموکراسی را با بن بست دیکتاتوری مواجه نسازد، لازم است دوره های مشخصی برای آن تخصیص یابد؛ امری که در بیشتر نظام های حقوق اساسی دنیا متعارف و متداول است. اگر چه در ایالات متحده آمریکا دوره ریاست جمهوری در برخی از ادوار بیش از چندین دوره امکان پذیر بوده، ولی هم اکنون نظیر آنچه که در ریاست جمهوری در نظام اساسی ایران وجود دارد دو دوره چهار ساله است.

* ایالات متحده آمریکا کشوری است که پیوسته نظام های انتخاباتی کشورهای دیگر را زیر سؤال می برد و پیوسته آن ها را متهم بدیکتاتوری، عدم توجه به آرای مردم، نقض اصول دموکراسی و حقوق بشر می کند، در حالی که ملاحظه شد این کشور در بدیهی ترین نوع انتخابات، که انتخابات ریاست جمهوری است نتوانسته است از بدیهیات اصول دموکراسی بهره مند شود؛ بگونه ای که از طریق انتخابات غیر مستقیم به آرای مردم در سطح ملی و قعی نگذاشته و از طریق دو حزب بزرگ سیاسی جمهوری خواه و دموکرات بیش از ۱۶۰ سال بر سرنوشته سیاسی و اقتصادی میلیون ها آمریکایی بملعبه های تحزب سیاسی حاکمیت داشته و قدرت را از یک حزب به حزب دیگر به صورت ادواری می چرخانند و برگردۀ مردم قیوم نمی کنند، حتی متأسفانه مشاهده می شود که بعضی از رؤسای جمهور آمریکا با آن که از حداکثر آرا برخوردار نبوده اند، از طریق سیستم انتصابی قضایی تقنینی، ادارۀ بالاترین مهمترین و با اقتدارترین نهاد سیاسی؛ یعنی ریاست جمهوری را بعهده گرفته اند و برخی از آن ها حتی بدون آن که در انتخابات شرکت کرده و یا حتی سابقه ریاست داشته باشند، براریکه قدرت ریاست جمهوری سوار شده اند که این گونه مثال هلمی تواند مصداق بارزی تو جهی یک نظام به ظاهر دموکراتیک به بدیهی ترین اصول دموکراسی و مردم سالاری تلقی گردد.

* ریاست جمهوری نهادی است اجرایی که روزمره به رتق و فتق مسائل مبتلا به جامعه می پردازد و شایسته است در انتخابات آن همه مردم نقش اساسی ایفا کرده و بر اساس اصل مردم سالاری هر نفر یک رأی، برگزیده شود. بنابراین، اولاً: برخلاف نهاد رهبری در اسلام، که امری است برخاسته از نظر شارع مقدس اسلام که مردم در اصل مشروعیت آن نقشی ندارند،



بلکه نقش آنان تنها در فعلیت و تحقق بخشیدن به اصل ولایت فقیه است و لذا احراز شرایط و صفات معین پیش بینی شده در منابع چهارگانه اسلام به خصوص کتاب و سنت بسیار مهم است و... نهاد ریاست جمهوری نهادی صرفاً برخاسته از مردم است و خاستگاه مردمی در آن به گونه ای است که رییس جمهور منتخب مردم به شمار می رود و حاکمیت و حکومت را به صورت روزمره از طرف مردم و به نام ملت اعمال می کند ثانیاً: در صفات رهبری شرایط ویژه ای مانند اجتهاد فقاهاست، و غیره وجود دارد که احراز آن ها توسط مردم عادی کاری بس دشوار و چه بسا غیر ممکن است و لذت متخصصان و خبرگان، که خود از درجه ای از فقاهاست برخوردار هستند و قدرت تشخیص ولی فقیه جامع الشرایط را دارند، بهتری می توانند به انتخاب رهبری که از جامعیت شرایط موصوف در قانون اساسی برخوردار است مبادرت ورزند.

* در حالی که در نظام اساسی آمریکا امکان انتخاب مستقیم ریاست جمهور توسط جمهور مردم وجود ندارد، انتخاب رهبری در نظام جمهوری اسلامی منحصراً از طریق انتخاب غیر مستقیم صورت نمی گیرد، بلکه ممکن است توسط اقبال عمومی مردم به طور مستقیم انجام پذیرد؛ همانگونه که در بدو وقوع انقلاب اسلامی ایران، قاطبه مردم امام خمینی را به عنوان ولی فقیه پذیرفتند و او را رهبر نظام جمهوری اسلامی قرار دادند.

* بر خلاف نظام انتخاباتی کالج الکترال آمریکا که نامزدها با آرای مردم به کالج مزبور وارد می شوند و همه آن ها حزبی بوده و تنها کسانی از این میان به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری و یا معاون وی انتخاب می شوند که بیشترین رأی حزب ذریبط را در ایالت خود به دست آورده باشند، نمایندگان مجلس خبرگان نماینده احزاب سیاسی نیستند بلکه آن ها شخصیت هایی هستند که با احراز شرایط معین، که در قوانین اساسی و عادی مقرر شده، خود را در معرض افکار عمومی قرار می دهند و مردم بر اساس توانایی ها و صلاحیت های فردی آن ها را انتخاب کرده و به مجلس خبرگان می فرستند.

* در نظام کالج الکترال نمایندگان انتخاب کننده ای که در مرکز ایالات جهت انتخاب رییس جمهور و معاون وی جمع شده اند، هیچ تعهدی نسبت به اجرای میثاق خود با مردم در انتخاب نامزد معین ریاست جمهوری ندارند، بلکه ممکن است تحت تأثیر و نفوذ اصحاب قدرت و ثروت و معاملات احزاب بزرگ سیاسی آمریکا و یا تحت فشار تبلیغات گسترده تلویزیونی و وسایل ارتباط جمعی، نسبت به فرد منظور، معامله خاصی انجام دهند. اما نمایندگان مجلس خبرگان، در انتخاب رهبریت نظام، بر اساس اصول شرع اسلام و



معیارهایی که طبق قوانین و مقررات تعیین شده و بدون آن که وارد مبادلات سیاسی حزبی قرار گیرند، رهبری نظام را انتخاب می‌کنند.

* در نظام الکترا، چه نمایندگان انتخاب کننده و چه نامزد رییس جمهور، باید از شرایط عادی برخوردار باشند که عناصر مذهبی و اعتقادی و اخلاقی نقشی را در آن ایفا نمی‌کنند، لیکن در انتخاب رهبریت نظام جمهوری اسلامی ایران، لازم است هم نسبت به نامزد رهبری و هم انتخاب کنندگان (یعنی نمایندگان مجلس خبرگان) شرایط و صفات خاصی؛ مانند خداترسی، ایمان به خدا و ارزش‌های والای انسانی، عدالت و صداقت و دیگر صفاتی که احراز آن از ضرورت‌های شرعی و قانونی است وجود داشته باشد، که این خود عامل کنترل کننده برای سلامت انتخابات و صحت تصمیم‌گیری در انتخاب رهبریت نظام است.

* نمایندگان ایالتی در انتخابات ایالتی و همچنین در کالج الکترا بر اساس تقسیم‌آرای به دست آمده در ایالت‌ها و حسب قوت و ضعف‌های ایالتی، حق رأی دارند و نه به تعداد جمعیت ساکن در هر ایالت، اما تعداد نمایندگان انتخابی مجلس خبرگان از استان‌ها، بر اساس جمعیت استانی تعیین می‌شوند و لذا اصل هر شهروند یک رأی، که از اصول دموکراسی است و این اصل در نظام الکترا کالج مخدوش می‌شود، کاملاً در انتخابات مجلس خبرگان رعایت شده است؛ به حدی که رأی یک روستایی دور از شهر و با امکانات بسیار ناچیز، همان اندازه در انتخاب نماینده سهم است که رأی یک شهری، که در مرکز استان اقامت دارد و از همه امکانات خدمات شهری بهره‌مند است.

* بر اساس چینی‌سازی در انتخابات ایالتی و همچنین نظام کالج الکترا، امکان برنده شدن حزب ثالث و یا نامزدهای مستقل وجود ندارد در حالی که در انتخابات نمایندگان مجلس خبرگان اولاً: ساختار تحزب وجود ندارد تا سرنوشت انتخابات را در اختیار خویش بگیرند و انحصارگرایی را در آرای انتخاباتی ایجاد کنند، ثانیاً: اگر طیف‌ها و جناح‌های سیاسی هم وجود داشته باشند، شیوه انتخابات و نظارت حاکم بر صحت و سقم انتخابات بگونه‌ای است که نامزدهای ثالث و یا مستقل نیز به راحتی قادر به رقابت و انتخاب شدن هستند. اما در خصوص متخین که به انتخاب رهبری از درون مجلس خبرگان دست می‌زنند نیز علاوه بر متفی بودن حاکمیت تحزب، هر نماینده صاحب یک رأی بوده و حق حاکمیت مردم را به راحتی و بدون مواجهه با موانع سیاسی اعمال می‌کند.

* در نظام کالج الکترا نمایندگان انتخاب‌کننده، تنها در مرحله حدوث نقش ایفای می‌کنند؛ یعنی



این که برای انتخاب رئیس جمهور و معاون وی، اجتماع می کنند، اما بعد از آن که رئیس جمهور و معاون وی تعیین شد و اداره کشور را به دست گرفتند، کالج مزبور دیگر نقشی را به عهد نخواهند داشت. لیکن مجلس خبرگان رهبری نه تنها در انتخاب رهبر نقش دارد، بلکه وظیفه قانونی دارد که پیوسته عملکردهای رهبری را کنترل و نظارت نماید تا اطمینان حاصل شود که صفات محرز در قانون اساسی به قوت خود باقی است، در غیر این صورت مبادرت به عزل رهبر نماید.

* به عکس نظام انتخاباتی آمریکا و کالج الکترا، که شمارش آرا توسط دو یا چند شرکت معین، که در دست اصحاب قدرت و احزاب سیاسی بزرگ می باشد، انجام می پذیرد و عملاً حاکمیت مردم در این مرحله حساس از انتخابات رعایت نمی شود، در نظام انتخاباتی مجلس خبرگان، آرا توسط نمایندگان شورای نگهبان و با حضور دیگر مراجع رسمی دولت؛ مانند وزارت کشور که حق استفاده از امکانات دولت و بیت المال برای برنده شدن یک یا چند نماینده خاصی را ندارند انجام می پذیرد.

در پایان، جدول زیر مقایسه ای است اجمالی میان دو نهاد رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران و ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا:

عناوین	رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران	ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا
موقعیت و جایگاه	عالیترین مقام رسمی	عالیترین مقام رسمی
مسئولیت	دارد	دارد
شرایط انتخاب	- صلاحیت افتاء - عدالت و تقوا - پیشینه اجتماعی و سیاسی و تدبیر و شجاعت و مدیریت	- تابعیت آمریکا - ۳۵ سال حداقل سن - ۱۴ سال اقامت متوالی
نحوه انتخاب	- یک مرحله ای با اقبال مردم - دو مرحله ای توسط مجلس خبرگان	دو مرحله ای کالج الکترا
مدت دوره تصدی	- نامحدود ولی مقید به بقای صفات محرز	۴ سال
انتخاب مجدد	-	دو دوره متوالی
آیا قابل عزل است؟	بلی	بلی
شرایط عزل	- ناتوانی در انجام وظایف - از دست دادن صفات محرز - فقدان برخی صفات محرز از ابتداء	محکومیت رئیس جمهور با رأی دو سوم اعضای سنا
نهاد صالح برای عزل	مجلس خبرگان	مجلس سنا
حق استعفاء	دارد	دارد
جانشینی	شورای رهبری مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه، یکی از فقهای شورای نگهبان	معاون رئیس جمهور



برترین مقام حکومتی و چگونگی...

